

هفت صبح از نابسامانی بازار طلای ایران و حراج سکه گزارش می دهد

سکه فروشی پرریسک فرزین

بانک مرکزی با عرضه گسترده سکه، نقدینگی را جمع آوری کرده

و دارایی‌های مردم را در معرض زیان گسترده قرار داده است

آزاد کلهر

هفت صبح

در حالی که بانک مرکزی باید در نقش نهاد ناظر پولی، حافظ ارزش پول ملی و کنترل کننده تورم ظاهر شود، استفاده از ابزار حراج سکه برای جمع آوری نقدینگی و تأمین کسری بودجه، نشان‌دهنده انحراف آشکار از مأموریت‌های اصلی این نهاد است. تجربه تلخ بازار سرمایه در سال‌های گذشته، که با عرضه گسترده سهام دولتی برای جبران کسری بودجه آغاز شد و با زیان سنگین میلیون‌ها سهام‌دار به پایان رسید، حالا در بازار طلا و سکه در حال تکرار است.

در ظاهر، فروش سکه با هدف کنترل نقدینگی و مهار تورم انجام می‌شود؛ اما در عمل، این سیاست بیش از آن که انقباضی باشد، به ابزاری برای تأمین مالی دولت تبدیل شده است. بانک مرکزی با عرضه گسترده سکه، نه تنها به ذخایر ارزی و طلای کشور فشار وارد می‌کند، بلکه در شرایطی که بازار طلا با حباب قیمتی مواجه است، مردم را به خرید دارایی‌هایی با ریسک بالا ترغیب می‌کند بی‌آن که تضمینی برای حفظ ارزش یا بازدهی آن وجود داشته باشد.

این سیاست، دقیقاً همان مسیری است که در بورس طی شد؛ ابتدا با تبلیغ گسترده، مردم به خرید سهام دولتی تشویق شدند؛ سپس با افت بازار، سرمایه‌های خرد در زیان فرو رفتند و اعتماد عمومی به بازار سرمایه از بین رفت. حالا نیز، با حراج سکه در شرایط حبابی، همان سناریو در حال اجراست با این تفاوت که این بار، دارایی فیزیکی و نقدی مردم هدف قرار گرفته است.

از سوی دیگر، ابزارهای کلاسیک کنترل تورم مانند افزایش نرخ سود بانکی، تقویت سپرده‌های قانونی و مدیریت پایه پولی، به حاشیه رانده شده‌اند. بانک مرکزی به جای اصلاح ساختارهای پولی، به فروش دارایی‌های ملی روی آورده است، رویکردی که نه تنها پایدار نیست، بلکه در صورت تداوم، می‌تواند به تضعیف ذخایر استراتژیک کشور و افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی منجر شود.

در شرایطی که اعتماد عمومی به نهادهای مالی در پایین‌ترین سطح قرار دارد، استفاده ابزاری از بازار سکه برای تأمین کسری بودجه، نه تنها بحران اعتماد را تشدید می‌کند، بلکه جامعه را در معرض ریسک‌های جدیدی قرار می‌دهد. اگر این مسیر اصلاح نشود، باید منتظر موج جدیدی

گزارش

روایت معکوس گلخانه‌ها در کشاورزی ایران که ناترازی انرژی و آلودگی‌ها را تشدید می کند

سیاستی که ناجی آب نبود

لیلا مرگن

هفت صبح

وزارت جهاد کشاورزی توسعه گلخانه‌ها را یگانه منجی منابع آب کشور معرفی می کند و هر گاه بحث ناترازی آب مطرح می‌شود، وزارتخانه متولی تولید نسخه توسعه گلخانه‌ها را روی میز می‌گذارد، در حالی که به اعتقاد کارشناسان، این نسخه ناترازی آب را جبران نمی‌کند، ناترازی انرژی را هم به همراه خواهد داشت و به زودی توسعه کشت گلخانه‌ای به نسخه‌ای ضد خود تبدیل می‌شود؛ کشاورزان مناطق مرکزی در ست در شرایطی که دیگر چاه‌های آب مزارعشان رmqی برای تأمین نیازهای کشت راندار، تن به سرمایه‌گذاری برای ایجاد گلخانه می‌دهند. از آنجا که آب و زمین در ایران به هم گره خورده و بازار رسمی برای نقل و انتقال این ماده وجود ندارد، هر کشاورزی که آب در اختیار دارد، اگر بخواهد از این امتیازش استفاده کند، با تبلیغات وزارت جهاد کشاورزی به سمت توسعه گلخانه هدایت می‌شود. کشاورزانی که تن به این سیاست می‌دهند، مجوز جدید برای کت شکستی و دستیابی بیشتر به منابع آب زیرزمینی را حق مسلم خود می‌دانند. زیرا بر این باورند که با هزینه شخصی، به کاهش مصرف آب کمک کرده‌اند. البته اصل داستان این است که آنها برای اینکه بتوانند چرخ تولید مزرعشان را بچرخانند و از امکانات در اختیارشان استفاده کنند، ناگزیر شده‌اند که سرمایه‌گذاری هنگفتی انجام دهند. سیاست توسعه گلخانه‌ها در سراسر کشور حتی در حوضه‌های دارای بحران آب و با حوضه پرخرجی مثل حوضه آبریز دریاچه ارومیه که طرح نکاشت در آن اجرا می‌شد، در شرایطی به‌عنوان یگانه راه نجات کشور معرفی می‌شود که کارشناسان حوزه آب این نسخه را تایید نمی‌کنند. متخصصان این حوزه معتقدند همان‌طور که توسعه آبیاری تحت فشار منجر به بهبود شرایط آبی در کشور نشد، گلخانه‌داری نمی‌تواند ایران را نجات دهد و راهگشای بحران آب باشد.

تفاوت مصرف آب در گلخانه‌های مدرن و معمولی
آمارها نشان می‌دهد وزارت جهاد کشاورزی آن قدرها هم که تبلیغ می‌کند، در توسعه گلخانه‌ها موفق نبوده

اقتصاد

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۱۵۷ | شنبه ۵ مهر ۱۴۰۲

۷

بازار جهانی طلا نیز در

وضعیت هیجانی قرار دارد و

رشد اخیر اونس بیشتر ناشی

از عوامل روانی و سیاسی بوده تا بنیادهای اقتصادی.

تحلیل گران سه سناریوی

اصلاح ملایم، اصلاح شدید و

نوسان محدود را برای آینده

اونس پیش‌بینی می‌کنند. در

هر صورت، ورود بدون تحلیل

به این بازار می‌تواند زیان‌بار

باشد و تنها راه عبور از این

فضای پرنوسان، مدیریت

ریسک و پرهیز از رفتارهای

هیجانی است

اکنون با مقاومت‌های تکنیکال و فشارهای بنیادی مواجه است. در صورت کاهش تنش‌های سیاسی، تثبیت نرخ بهره توسط فدرال رزرو و تقویت شاخص دلار، احتمال اصلاح قیمت‌ها در بازار جهانی طلا بسیار بالاست. این اصلاح می‌تواند در قالب سه سناریوی محتمل رخ دهد.

در سناریوی نخست، اصلاح ملایم با کاهش تدریجی هیجانات و بازگشت به سیاست‌های پولی متعادل، اونس را به محدوده‌های حمایتی ۳۵۰۰ تا ۳۳۰۰ دلار بازمی‌گرداند. این نوع اصلاح بیشتر جنبه تکنیکال دارد و بازار پس از آن وارد فاز تعادل و نوسان منطقی می‌شود.

سناریوی دوم، اصلاح شدید است که در صورت بهبود داده‌های اقتصادی آمریکا، افزایش نرخ بهره یا تقویت محسوس دلار، می‌تواند اونس را تا محدوده ۳۰۰۰ دلار یا حتی پایین‌تر عقب براند. این سناریو برای سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت پرریسک خواهد بود و خروج نقدینگی از بازار طلا را به دنبال دارد.

سناریوی سوم، تثبیت و نوسان محدود است؛ در این حالت، اگر فضای سیاسی بر تنش باقی بماند اما تحول جدی رخ ندهد، طلا ممکن است در محدوده ۳۸۰۰ تا ۳۶۰۰ دلار نوسان کند. این سناریو برای سرمایه‌گذاران بلندمدت جذاب‌تر است، اما همچنان با ریسک‌های تاپایدار همراه خواهد بود.

در مجموع، بازار جهانی طلا نیز مانند بازار داخلی، در حال تجربه یک فاز هیجانی است که نمی‌تواند بدون طوفانی پایدار بماند. سرمایه‌گذارانی که برای مدت طولانی پایدار شده‌اند، در صورت اصلاح قیمت‌ها با زیان مواجه خواهند شد. همان‌طور که در تجربه بورس و سکه دیدیم، ورود در اوج هیجان، خروج در کف ناامیدی را به دنبال دارد. بنابراین، مدیریت ریسک، تحلیل دقیق و پرهیز از رفتارهای هیجانی، تنها راه عبور از این فضای پرنوسان است چه در بازار داخلی، چه در بازار جهانی.



ریسک بازمی‌گردد. اما تا زمانی که بانک مرکزی از طلا به‌عنوان ابزار تأمین مالی دولت استفاده می‌کند و بازار با سیگنال‌های متناقض مواجه است، نمی‌توان انتظار داشت که این تعادل به‌راحتی برقرار شود. حباب، اگر چه سودآور به نظر می‌رسد، اما همیشه پیش‌درآمد سقوط است و این بار نیز، نشانه‌های آن به‌وضوح قابل مشاهده‌اند.

بازار جهانی طلا؛ هیجان امروز، اصلاح فردا
در کنار حباب قیمتی بازار داخلی سکه و طلا، بازار جهانی نیز در وضعیت هیجانی قرار دارد. رشد سریع اونس طلا در ماه‌های اخیر، بیش از آن که بر پایه تقاضای فیزیکی یا تغییرات بنیادین باشد، ناشی از نگرانی‌های ژئوپلیتیکی، نوسانات نرخ بهره و انتظارات تورمی در اقتصادهای بزرگ بوده است. این رشد، اگر چه در کوتاه‌مدت برای برخی سودآور بوده، اما نشانه‌هایی از اشباع قیمتی و واگرایی بنیادی در آن دیده می‌شود. تحلیل گران معتقدند که بازار جهانی طلا نیز در آستانه ورود به فاز اصلاح قرار دارد و این اصلاح می‌تواند مسیر سرمایه‌گذاری را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد.

اونس طلا که در ماه‌های گذشته از محدوده روانی ۲۷۰۰ دلار عبور کرده و به سطوح بالاتر رسیده،



شناسه آگهی: ۲۰۰۹۷۰۷

فراخوان عمومی برگزاری مناقصه یک مرحله‌ای در زمینه خرید تجهیزات زیر ساخت سایبری

۶- مهلت زمان بارگذاری اسناد مناقصه درسایت: تا ساعت ۱۰صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

۷- مهلت بازگشایی پاکات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

۸- شرایط لازم جهت شرکت درمناقصه: الف) داشتن شخصیت حقوقی ب) دارای مجوز معتبر از نظام صنفی رایانه ای کشور ج) دارای تجربه وسابقه در تامین وپشتیبانی تجهیزات مرتبط د) دارا بودن رتبه شورای عالی انفورماتیک دررشته های: تولید ارائه رایانه های غیرframe main،شبکه داده های رایانه ای ومخابراتی وخدمات پشتیبانی ورشته امنیت اطلاعات وتبادل وتولیداطلاعات باشند.

ه) دارا بودن مجوز اقرا ریاست جمهوری امن سازی ومقام سازی سامانه ها زیرساخت ها

و) دارای موجودی انبار باشد (تحويل حدا کثر یک هفته)

ز) ملقی شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده.

آدرس تحویل ضمانتنامه شرکت درمنافصه: تهران- میدان آرژانتین-راضی عباس‌آباد- ساختمان شهیددامان وزارت راه وشهرسازی -طبقه اول شمالی- دبیرخانه مرکز

امور قراردادها: ۸۲۲۴۳۷۰۷/۱۴۵۶:۰۲۱-۰۲

وزارت راه وشهرسازی

اداره کل خدمات پشتیبانی وره

م الف ۲۴۱۷

نگاه

تورم خوراکی‌ها قدرت خرید خانوارهای

کم‌درآمد را فرسوده کرده

تورم در سفره‌های کوچک

گروه اقتصادی | در هفته‌ای که شارژ کالابرگ خانوارهای دهک چهارم تا نهم انجام شده، فروشگاه‌ها شلوغ‌تر از همیشه‌اند. اما آنچه در میان قفسه‌ها و صف‌های صندوق به چشم می‌آید، نه رونق خرید، بلکه سردرگمی و ناراحتی مردم است. دیالوگ‌های روزمره در مترو، فروشگاه و صف صندوق، حکایت از یک واقعیت تلخ دارد: بارانه‌ها ناکافی‌اند، قیمت‌ها افسار گسیخته‌اند و سفره‌ها کوچک‌تر شده‌اند.

در ظاهر، دولت اعلام کرده ارز واردات کالاهای اساسی تغییر نکرده و سیاست صرفه‌جویی ارزی در دستور کار است اما در عمل، این صرفه‌جویی نه تنها به کاهش قیمت‌ها منجر نشده، بلکه موجی از تورم در بازار کالاهای اساسی ایجاد کرده است. از کنسرو ماهی گرفته تا برنج، گوشت، لبنیات و ماهی تازه، همه با افزایش‌های دو رقمی مواجه‌اند افزایش‌هایی که هیچ تناسبی با نرخ ارز رسمی ندارند.

برای نمونه، قیمت یک قوطی کنسرو ماهی ۱۸۰ گرمی در شش ماه گذشته بیش از ۳۵ درصد رشد کرده است. در همین بازه، قیمت پنیر یوفا ۴۰۰ گرمی با وجود حذف از فهرست کالاهای تعزیراتی، ۳۴ درصد افزایش یافته و ماهی قزل‌آلا نیز از ۲۴۸ هزار تومان به ۳۴۵ هزار تومان رسیده است. این اعداد، به حاصل نوسان ارزی، بلکه نتیجه مستقیم کاهش بودجه واردات، حذف حمایت‌های پنهان و فشار بر تولیدکنندگان داخلی است.

در واقع، سیاست صرفه‌جویی ارزی که قرار بود به بهبود تراز تجاری کشور کمک کند، به بهای کوچک شدن سفره مردم تمام شده است. کاهش واردات نهادهای دامی، کود، مواد اولیه و حتی اقلام مصرفی، باعث شده تا تولیدکنندگان با هزینه‌های بالاتری مواجه شوند و این هزینه‌ها را مستقیماً به مصرف‌کننده منتقل کنند. در حالی که ارز ترجیحی حذف نشده، اما دسترسی به آن محدودتر شده و فرآیند تخصیص آن با تأخیر و پیچیدگی همراه است.

از سوی دیگر، نبود نظارت مؤثر بر قیمت‌گذاری، به تولیدکنندگان این امکان را داده تا در سایه کمبود عرضه، قیمت‌ها را فراتر از نرخ‌های مصوب افزایش دهند. حذف برخی اقلام از فهرست تعزیراتی، مانند پنیر یوفا، عملاً به معنای آزادسازی قیمت‌هاست آزادسازی‌ای که در شرایط تورمی، به‌جای رقابت، به انحصار و افزایش قیمت منجر می‌شود.

در چنین فضایی، شارژ کالابرگ اگر چه در ظاهر کمک‌حال خانوارهاست اما در عمل نمی‌تواند مانع از فشار تورمی شود. وقتی قیمت یک کیسه ۵ کیلویی برنج ایرانی از سقف کالابرگ فراتر می‌رود، خانوارها ناچارند از جیب خود هزینه کنند و این یعنی بارانه نقدی و کالابرگ، دیگر پاسخگوی نیازهای واقعی نیستند.

در نهایت، سیاست صرفه‌جویی ارزی اگر بدون اصلاح ساختارهای حمایتی، نظارت بر زنجیره تأمین و بازنگری در اولویت‌های وارداتی اجرا شود، نه تنها به بهبود اقتصادی منجر نمی‌شود، بلکه فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد خواهد کرد. ثبات نرخ ارز، زمانی معنا دارد که در سفره مردم نیز تاب داشته باشد نه آنکه در گزارش‌های رسمی باقی بماند و در قفسه‌های فروشگاه‌ها ناپدید شود.

در حالی که سیاستگذار تلاش کرده با ابزارهایی مانند کالابرگ، بارانه نقدی و کنترل قیمت‌های تعزیراتی، تورم را برای دهک‌های پایین مهار کند، افزایش مداوم قیمت کالاهای اساسی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها نه تنها ناکارآمد بوده‌اند، بلکه اثر معکوس داشته‌اند. تورم خوراکی‌ها و اقلام ضروری، بیشترین فشار را بر دهک‌های پایین وارد می‌کند؛ چراکه سهم این اقلام در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد بسیار بالاست. بر خلاف دهک‌های بالاتر که می‌توانند بخشی از هزینه‌های خود را با تغییر الگوی مصرف یا سرمایه‌گذاری جبران کنند، دهک‌های پایین در برابر افزایش قیمت کالاهای اساسی کاملاً آسیب‌پذیرند. رشد قیمت برنج، گوشت، لبنیات، ماهی و حتی کنسرو ماهی، مستقیماً به کاهش کیفیت تغذیه، افزایش فقر غذایی و فرسایش توان خرید منجر می‌شود. این فشار، نه تنها معیشت خانوارها را تهدید می‌کند، بلکه در سطح کلان، به کاهش تقاضای مؤثر، رکود مصرفی و تضعیف موتور محرک اقتصاد منجر خواهد شد. تورم دهک‌های پایین، بر خلاف تصور رایج، یک پدیده محدود نیست؛ بلکه اثرات آن به کل اقتصاد سرایت می‌کند. کاهش قدرت خرید طبقات پایین، به افت فروش در بازارهای خرد، کاهش گردش مالی در اصناف و در نهایت، افت تولید در صنایع مصرفی منجر می‌شود. این چرخه معیوب، اگر با اصلاح سیاست‌های ارزی، بازنگری در نظام توزیع و تقویت حمایت‌های هدفمند همراه نشود، می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری منجر شود.

در واقع، تورم دهک‌های پایین، نه تنها یک شاخص اقتصادی، بلکه یک هشدار اجتماعی است. اگر دولت نتواند از مسیر سیاست‌های فعلی عبور کرده و به سمت اصلاحات ساختاری در تأمین کالاهای اساسی حرکت کند، نه تنها هدف عدالت اجتماعی محقق نخواهد شد، بلکه بی‌ثباتی اقتصادی نیز تشدید خواهد شد. مهار تورم، زمانی معنا دارد که در سفره مردم دیده شود نه فقط در گزارش‌های رسمی. در جمع‌بندی می‌توان ادعا کرد که در حالی که دولت با ابزارهایی مانند کالابرگ و بارانه نقدی تلاش کرده تورم را برای دهک‌های پایین کنترل کند، افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها نه تنها مؤثر نبوده‌اند، بلکه فشار تورمی را بر طبقات کم‌درآمد تشدید کرده‌اند. حذف حمایت‌های پنهان، کاهش بودجه واردات و نبود نظارت مؤثر، سده خانوارهای ضعیف را کوچک‌تر کرده و قدرت خرید آن‌ها را به شدت کاهش داده است. تورم دهک‌های پایین، بر خلاف تصور رایج، تنها یک مسئله اجتماعی نیست، بلکه تهدیدی برای کلیت اقتصاد است. کاهش تقاضای مؤثر، افت گردش مالی در بازارهای خرد و رکود در صنایع مصرفی، پیامدهای مستقیم این فشار معیشتی‌اند. اگر اصلاحات ساختاری در سیاست‌های ارزی و نظام توزیع کالاهای اساسی صورت نگیرد، بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی در ماهه‌ای آینده تشدید خواهد شد.

فراخوان عمومی برگزاری مناقصه یک مرحله‌ای

در زمینه خرید تجهیزات زیر ساخت سایبری

۶- مهلت زمان بارگذاری اسناد مناقصه درسایت: تا ساعت ۱۰صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

۷- مهلت بازگشایی پاکات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

۸- شرایط لازم جهت شرکت درمناقصه: الف) داشتن شخصیت حقوقی ب) دارای مجوز معتبر از نظام صنفی رایانه ای کشور ج) دارای تجربه وسابقه در تامین وپشتیبانی تجهیزات مرتبط د) دارا بودن رتبه شورای عالی انفورماتیک دررشته های: تولید ارائه رایانه های غیرframe main،شبکه داده های رایانه ای ومخابراتی وخدمات پشتیبانی ورشته امنیت اطلاعات وتبادل وتولیداطلاعات باشند.

ه) دارا بودن مجوز اقرا ریاست جمهوری امن سازی ومقام سازی سامانه ها زیرساخت ها

و) دارای موجودی انبار باشد (تحويل حدا کثر یک هفته)

ز) ملقی شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده.

آدرس تحویل ضمانتنامه شرکت درمنافصه: تهران- میدان آرژانتین-راضی عباس‌آباد- ساختمان شهیددامان وزارت راه وشهرسازی -طبقه اول شمالی- دبیرخانه مرکز

امور قراردادها: ۸۲۲۴۳۷۰۷/۱۴۵۶:۰۲۱-۰۲

وزارت راه وشهرسازی

اداره کل خدمات پشتیبانی وره

دیدار اردوغان و ترامپ فراتر از خرید جنگنده پیش رفت و به آینده سوریه، نقش اسرائیل و تحریم‌های نفتی روسیه کشیده شد

واشنگتن و آنکارا؛ روابطی در نوسان میان همکاری و تنش

از نگاه کاخ سفید، ترکیه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود و دسترسی گسترده به مسیرهای انرژی، می‌تواند عاملی کلیدی در محدود کردن صادرات نفت روسیه باشد



هفت صبح | دیدار رجب طیب اردوغان با دونالد ترامپ در کاخ سفید، بار دیگر معادلات پیچیده روابط ترکیه و آمریکا را در کانون توجه قرار داد؛ روابطی که میان همکاری‌های راهبردی و اختلافات عمیق در نوسان است. این گفت‌وگوها نه‌تنها به مسئله خرید جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۳۵ و فشارهای آمریکا برای توقف خرید نفت روسیه توسط آنکارا محدود نمی‌شود، بلکه سایه منازعات سوریه، تحولات پس از سقوط حکومت بشار اسد و نقش آفرینی اسرائیل در مهار قدرت ترکیه، بعدی ژئوپلیتیک به آن می‌بخشد. آنکارا تلاش دارد میان واشنگتن و مسکو تعادل ایجاد کند، در حالی که واشنگتن به دنبال بهره‌گیری از ظرفیت‌های ترکیه برای مهار روسیه و همزمان مدیریت بحران‌های خاورمیانه است. این دیدار نقطه تلاقی منافع، تهدیدها و رقابت‌های منطقه‌ای است که در سه محور اصلی قابل بررسی است.

خرید جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۳۵؛ تلاش ترکیه، کارشکنی اسرائیل

موضوع خرید جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۳۵ یکی از کلیدی‌ترین محورهای مناقشات آنکارا و واشنگتن در سال‌های اخیر بوده است که در دستور کار اردوغان طی دیدار با ترامپ قرار داشت. ترکیه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و تهدیدهای امنیتی در مرزهای جنوبی و شرقی خود، به‌ویژه در قبال تحولات سوریه و احتمال گسترش دامنه درگیری‌ها در خاورمیانه، نیاز مبرمی به نوسازی ناوگان هوایی خود دارد. دولت اردوغان بر این باور است که دسترسی به این جنگنده‌های پیشرفته، قدرت بازدارندگی و توان دفاعی ترکیه را در برابر هرگونه تهدید خارجی ارتقا می‌دهد.

با این حال، این مسیر با موانع جدی روبه‌رو است. نقش اسرائیل در این میان تعیین‌کننده است. تل‌آویو پس از تجربه درگیری‌های گسترده با ایران، سوریه، لبنان، یمن، فلسطین و نیز قطر نگران است که ترکیه با برخورداری از جنگنده‌های پیشرفته، به بازگشش چالش‌برانگیز در معادلات امنیتی منطقه تبدیل شود. بیم اصلی اسرائیل، وقوع هرگونه منازعه احتمالی با ترکیه در آینده است، به‌ویژه با توجه به مواضع آنکارا در قبال جنگ غزه و حمایت‌های آشکار اردوغان از فلسطینی‌ها.

به همین دلیل، اسرائیل در سطح لایه‌های سیاسی و حتی در هماهنگی با برخی جریان‌های نزدیک به کنگره آمریکا، تلاش می‌کند مانع دستیابی ترکیه به این جنگنده‌ها شود. این در حالی است که آنکارا به‌عنوان عضو ناتو، خود را محق می‌داند تا از تسلیحات پیشرفته غربی برخوردار باشد و هرگونه محدودیت را مغایر با تعهدات دفاعی و امنیتی این پیمان تلقی می‌کند.

سوریه پس از اسد؛ چالش‌های حکومت احمدالشرع و نقش اسرائیل

تحولات سوریه پس از سقوط حکومت بشار اسد و روی کار آمدن دولت احمدالشرع، نقطه عطفی در سیاست منطقه‌ای ترکیه و آمریکا محسوب می‌شود. دولت اردوغان در کنار برخی قدرت‌های منطقه‌ای، نقشی تعیین‌کننده در تغییر معادلات سوریه ایفا کرد و اکنون تلاش دارد با تثبیت نفوذ خود در این کشور، جایگاه راهبردی‌اش را تقویت کند. اما این روند با چالش جدی مواجه است.

بیش از ۸۰۰ کیلومتر از خاک سوریه همچنان در اشغال اسرائیل قرار دارد و تل‌آویو با تداوم حملات هوایی و اقدامات تحریک‌آمیز در قبال دروزی‌ها ثبات دولت احمدالشرع را هدف گرفته است. اسرائیل می‌کوشد با تضعیف دمشق، از شکل‌گیری هرگونه محور مقاومت جدید در مرزهای شمالی خود جلوگیری کند و در عین حال مانع گسترش نفوذ ترکیه در سوریه شود. از منظر آنکارا، سوریه پس از اسد نه‌تنها عمق راهبردی برای امنیت ملی ترکیه محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند پلی برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی آن در خاورمیانه باشد. اما تحریکات اسرائیل و رقابت‌های ژئوپلیتیک با دیگر بازیگران، آینده این کشور را به نقطه‌ای حساس کشانده است. واشنگتن نیز با وجود نقش کلیدی در تحولات سوریه، میان مدیریت نفوذ اسرائیل، تأمین امنیت مرزهای ترکیه و مهار برخی گروه‌های مسلح حاضر در سوریه، در وضعیتي چندلایه و پیچیده قرار گرفته‌اند.

تحریم‌ها و فشارهای آمریکا؛ نفت روسیه و معادلات اوکراین

یکی دیگر از محورهای اصلی گفت‌وگوهای ترامپ و اردوغان، مسئله تحریم‌ها و به‌ویژه فشارهای واشنگتن برای توقف خرید نفت از روسیه توسط ترکیه بود. ترامپ در دیدار با اردوغان تصریح کرد که ادامه جنگ اوکراین، نیازمند فشارهای اقتصادی گسترده‌تر بر مسکو است و قطع درآمدهای نفتی روسیه می‌تواند در این مسیر نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. از نگاه کاخ سفید، ترکیه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود و دسترسی گسترده به مسیرهای انرژی، می‌تواند عاملی کلیدی در محدود کردن صادرات نفت روسیه باشد. اما این خواسته با منافع اقتصادی و امنیتی آنکارا در تضاد است. ترکیه بخش قابل توجهی از نیازهای انرژی خود را از روسیه تأمین می‌کند و قطع این وابستگی در کوتاه‌مدت می‌تواند تبعات اقتصادی سنگینی برای آنکارا به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، اردوغان تلاش دارد روابط متوازن با مسکو و واشنگتن را حفظ کند و نمی‌خواهد در رقابت‌های ژئوپلیتیک میان شرق و غرب، موقعیت خود را از دست بدهد.

با این حال، ترامپ تهدید کرده است که در صورت تداوم همکاری‌های آنکارا با مسکو، تحریم‌های گسترده‌تری علیه بخش دفاعی و اقتصادی ترکیه اعمال خواهد شد. او پیش‌تر نیز به دلیل خرید سامانه‌های موشکی اس-۴۰۰ روسیه، تحریم‌هایی علیه صنایع دفاعی ترکیه وضع کرده بود و اکنون از این ابزار برای وادار کردن آنکارا به تبعیت از سیاست‌های ضدروسی واشنگتن استفاده می‌کند. این وضعیت روابط دو کشور را در نقطه‌ای حساس قرار داده است؛ جایی که آنکارا میان نیازهای امنیتی، الزامات اقتصادی و فشارهای فزاینده آمریکا، در جست‌وجوی موازنه‌ای دشوار است.

اعتطاف‌پذیری رزمی هم به شمار می‌رود. لذا کشورهایی که در این پروسه عقب بمانند، ممکن است در میدان نبرد مدرن با محدودیت‌های جدی مواجه شوند و نیازمند سرمایه‌گذاری فوری و تغییر رویکرد باشند.

روایت غربی از فناوری پهپادی ایران

راهکارهای غرب برای جبران عقب‌ماندگی و بازتعریف بازدارندگی

با توجه به آنچه گفته شد اکنون کشورهای پیشرفته و شرکت‌های دفاعی به دنبال یافتن راهکارهایی هستند که عقب‌ماندگی خود در زمینه پهپادهای کم‌هزینه را جبران کنند. ترکیب هزینه پایین و دقت بالا، امکان ایجاد تهدید استراتژیک مؤثر را فراهم می‌کند، بدون اینکه نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین در موشک‌های گران‌قیمت باشد. این تحول، بازتعریف موازنه قدرت و بازدارندگی در جنگ‌های مدرن را ضروری می‌کند. پهپادهای کم‌هزینه، نه‌تنها ابزاری برای عملیات رزمی بلکه عاملی برای فشار و بازدارندگی سیاسی محسوب می‌شوند. تجربه اخیر، به‌ویژه در منازعات اوکراین، نشان داده است که کشورهای پیشرفته نظامی برای حفظ برتری خود باید در فناوری‌های کم‌هزینه و قابل تولید انبوه سرمایه‌گذاری کنند. این منظر، پهپادهای ارزان‌قیمت و دوربرد می‌توانند نقش بازدارنده استراتژیک و تغییردهنده موازنه قدرت را به‌صورت واقعی و ملموس ایفا کنند، حتی در شرایطی که فناوری‌های نوین سایبری و هوش مصنوعی وارد میدان شده‌اند.

گزارش هفت صبح درباره پهپادهای شاهد ایرانی که به دلیل هزینه پایین، برد بلند و رقابت جهانی مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفته است

سلاحی که همه می‌خواهند



این پهپادها می‌توانند تأثیر استراتژیک قابل توجهی داشته باشند، چرا که ترکیب تعداد، دقت و قیمت پایین، امکان ایجاد تهدید مداوم و فرسایشی را فراهم می‌کند. استفاده از چنین پهپادهایی می‌تواند «بازی را تغییر دهد» و مدل‌های سنتی حمله و دفاع در میدان جنگ را بازتعریف کند، حتی بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان در موشک‌های پیشرفته.

تقلید جهانی؛ رقابت در عرصه پهپادهای کم‌هزینه

یکی از پیامدهای گزارش‌های رسانه‌های غربی درباره پهپادهای شاهد، ایجاد موجی جهانی برای تولید نسخه‌های مشابه است. کشورهای پیشرفته و شرکت‌های دفاعی متعدد به دنبال توسعه پهپادهای ارزان‌قیمت و دوربرد هستند که بتوانند به شکلی مؤثر در میدان‌های نبرد مدرن عمل کنند.

گفته می‌شود آمریکا، چین، فرانسه و بریتانیا در حال طراحی نمونه‌های اقتصادی هستند که بتوانند نیازهای عملیاتی



منازعات منطقه‌ای شود. از سوی دیگر، اسرائیل به عنوان تنها قدرت هسته‌ای در خاورمیانه، در دو سال گذشته بعد از هفتم اکتبر با سیاست‌های تهاجمی از جمله حملات مکرر به سوریه، لبنان، تهدید و تجاوز علیه برنامه هسته‌ای ایران و حتی حمله به قطر، سطح تنش‌های منطقه‌ای را به‌شدت افزایش داده است. این وضعیت زمینه‌ساز احتمال یک موازنه هسته‌ای جدید در منطقه شده است؛ موازنه‌ای که با ورود پاکستان به عنوان قدرت اتمی جهان اسلام می‌تواند معادلات بازدارندگی در برابر اسرائیل را تغییر دهد. البته بعید است که این موازنه به‌درگیری مستقیم هسته‌ای منجر شود؛ همان‌گونه که در جنگ اوکراین هم مشاهده شد، قدرت‌های هسته‌ای به‌شدت محتاطانه که وارد منازعات مستقیم هسته‌ای نشوند. با این حال، وجود دو قدرت هسته‌ای در یک جغرافیای پر تنش مانند خاورمیانه، حتی اگر یکی از آن‌ها خارج از محدوده جغرافیایی سنتی منطقه تعریف شده باشد، بی‌تردید سطح بازدارندگی و پیچیدگی‌های امنیتی را به‌شدت افزایش خواهد داد. این همان نقطه‌ای است که حضور پاکستان را به یک متغیر تعیین‌کننده در معادلات امنیتی خاورمیانه تبدیل می‌کند.

توافقات دفاعی جدید؛ از ماده ۵ ناتو تا سپر دفاعی اتمی پاکستان

توافقات دفاعی اخیر میان عربستان و پاکستان و همچنین نشست همکاری نظامی بحرن و اسلام‌آباد، مر حله جدیدی از همکاری‌های امنیتی میان کشورهای عربی و تنها قدرت هسته‌ای جهان اسلام را رقم زده است. این

توافقات به‌ویژه با تأکید بر اصل «حمله به یکی از طرفین به مثابه حمله به طرف دیگر» شباهت

«هفت‌صبح»، ادامه توافق امنیتی و دفاعی پاکستان با دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را واکاوی می‌کند

بازدارندگی هسته‌ای با امضای اسلام‌آباد



یادای به ماده ۵ ناتو دارند. این ماده در پیمان اتلانتیک شمالی به این معناست که هرگونه حمله به یکی از اعضا، حمله به کل اعضا تلقی می‌شود و پاسخ جمعی را در پی خواهد داشت. عربستان سعودی تلاش دارد در چارچوب این توافقات، به نوعی «سپر دفاعی اتمی» پاکستان را در خدمت امنیت خود بگیرد. به عبارت دیگر، اگر حمله‌ای علیه عربستان صورت گیرد، اسلام‌آباد با تکیه بر توان هسته‌ای و ارتش قدرتمند خود نقش بازدارنده‌ای ایفا کند. در واقع، ریاض به دنبال این است که از طریق این توافقات، نوعی تضمین امنیتی فراتر از تعهدات آمریکا به دست آورد و در برابر تهدیدات احتمالی، به‌ویژه از سوی اسرائیل، یک پشتوانه هسته‌ای داشته باشد.

اما این توافقات بیشتر ماهیتی یک‌طرفه دارند. اگرچه در متن توافق دفاعی بر اصل مقابله مشترک با هرگونه تجاوز تأکید شده است، اما بعد به نظر می‌رسد که در صورت وقوع جنگی میان پاکستان و هند، عربستان حاضر باشد یا حتی بتواند وارد این درگیری شود. روابط رو به رشد عربستان با هند، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و انرژی، به گونه‌ای است که ریاض ترجیح می‌دهد از منازعات جنوب آسیا فاصله بگیرد. به همین دلیل، ایسن توافق دفاعی عملاً بیشتر به سود عربستان تعریف شده تا پاکستان؛ زیرا اسلام‌آباد از نظر اقتصادی و تجاری تا حد زیادی در حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های کشورهای ثروتمند خلیج فارس وابسته است و این موضوع باعث می‌شود نقش آن در این همکاری‌ها بیشتر جنبه تضمین امنیتی برای طرف عربی داشته باشد تا برعکس.

با این حال، همین نقش یک‌طرفه هم برای عربستان اهمیت راهبردی دارد. ریاض با این توافقات می‌خواهد به واشنگتن این پیام را برساند

نقش چین و آمریکا در ساختار امنیتی

و دفاعی پاکستان

یکی از ابعاد مهم ورود پاکستان به معادلات امنیتی خاورمیانه، تأثیر بازیگران بزرگ بین‌المللی بر ساختار دفاعی و امنیتی این کشور است. پاکستان از یک‌سو متحد دیرینه ایالات متحده بوده و سال‌ها به عنوان شریک راهبردی واشنگتن در جنوب آسیا شناخته می‌شود. کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به اسلام‌آباد، به‌ویژه در دوران جنگ سرد و جنگ افغانستان، نقش مهمی در تقویت ارتش پاکستان و زیرساخت‌های دفاعی این کشور ایفا کرد. اما از سوی دیگر، در دو دهه اخیر چین به عنوان شریک اصلی پاکستان در حوزه‌های اقتصادی،



حسین فاطمی
هفت صبح

وزارت دفاع بحرین در بیانیه‌ای از برگراری نشست همکاری نظامی با پاکستان در منامه خبر داد. در این بیانیه آمده است که «بیشتر و یکمین نشست کمیته مشترک همکاری‌های نظامی بحرین و پاکستان روز چهارشنبه در ستاد فرمانده نیروی دفاع بحرن بر گزار شد». پیش‌تر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی و شهباز شریف، نخست وزیر پاکستان توافقنامه دفاعی راهبردی مشترک با عنوان «توافقنامه عربستان و پاکستان در این توافقنامه تأکید کردند که تجاوز به هر کدام از آنها، تجاوز به هر دو کشور به شمار می‌رود.

خاورمیانه در حال تجربه یکی از پیچیده‌ترین دوران‌های امنیتی خود در دهه‌های اخیر است. حمله اسرائیل به قطر، که حتی حضور بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در این کشور توانست مانع آن نشود، نقطه عطفی در تغییر نگاه کشورهای عربی خلیج فارس به معادلات امنیتی منطقه بود. این نشان داد که اتکابه تضمین‌های امنیتی واشنگتن دیگر پاسخگوی تهدیدات نوظهور نیست و نظم امنیتی مبتنی بر اتحادهای سنتی در حال فروریختن است. در چنین فضایی، پاکستان به عنوان تنها

قدرت هسته‌ای جهان اسلام و کشوری خارج از معادلات ژئوپلیتیک خاورمیانه، اکنون به یکی از بازیگران کلیدی این معادلات تبدیل شده است. موقعیت جغرافیایی پاکستان در جنوب آسیا و شبه‌قاره، آن را تا پیش از این از درگیری‌های مستقیم خاورمیانه دور نگه داشته بود، اما مجموعه‌ای از تحولات امنیتی و دفاعی باعث شده است که اسلام‌آباد به شکل بی‌سابقه‌ای درگیر تحولات خلیج فارس و



فرار مغزها، نسخه آمریکایی

طی سال گذشته بیش از ۹۰ هزار دانشجوی آمریکایی برای تحصیل به اروپا و آسیا رفتند



و عمری کار کنم و اقساط وام تحصیلی‌ام را بپردازم.» او که از طریق یک ویدیو در شبکه‌های اجتماعی با ایده تحصیل در خارج آشنا شد، با کمک بورسیه و پس‌انداز، تحصیل در رشته بازرگانی را در پراگ آغاز کرد. دیویس که تاکنون به ۲۱ کشور سفر کرده و یک ترم در دانشگاه سوفیا توکیو تحصیل کرده، می‌افزاید: «تحصیل در ژاپن دیدگاهم نسبت به زندگی را متحول کرد و تجربه‌ای بی‌نظیر بود.»

چالش‌ها در برابر رویاها

با وجود مزایای تحصیل در خارج، چالش‌هایی مانند پیچیدگی‌های ویزا، بوروکراسی بین‌المللی و دوری از خانواده پیش روی دانشجویان است. خبری نیز به تازگی منتشر شد که می‌گوید مهاجران آمریکایی در اروپا باید انگشت‌نگاری و احراز هویت شوند که این خبر برای آمریکایی‌ها بسیار سنگین و غیرقابل پذیرش آمد. دیویس نگران است که آموزش او در بازاربایی و ارتباطات بازرگانی با استانداردهای بازار کار آمریکا همخوانی نداشته باشد. با این حال، او تأکید می‌کند: «هیچ آثاری از بشیمانی در وجودم ندارم. به جوانان توصیه می‌کنم این فرصت را غنیمت بشمارند.» کارشناسان معتقدند فضای متشنج سیاسی، از جمله اعتراضات دانشجویی و تنش‌های پسانتخاباتی، به این مهاجرت دامن زده

در حالی‌که هزینه‌های سرسام‌آور تحصیل و ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی در آمریکا دانشجویان را تحت فشار قرار داده، موجی از جوانان این کشور به دانشگاه‌های اروپا و آسیا روی آورده‌اند. افزایش شهریه‌ها، بدهی‌های سنگین دانشجویی و نگرانی‌های امنیتی پس از انتخابات پرتنش ۲۰۲۴، این مهاجرت تحصیلی را تسریع کرده است. جنویو اسمیت، دانشجوی ۱۹ساله کالیفرنایی، پس از دو سال تحصیل در کالج محلی سانتاروزا، به دلیل هزینه‌های بالای دانشگاه‌های آمریکایی مانند یو.اس سانتاکروز و دغدغه‌های امنیتی، تصمیم گرفت برای تحصیل حقوق بین‌الملل در دانشگاه‌های لیدن و اوترخت هلند در خواست دهد. او می‌گوید: «تحصیل در خارج از مرزهای آمریکا، دیدگاه جهانی به من می‌دهد تا به عنوان وکیل تأثیرگذار تر باشم.»

رشد چشمگیر مهاجرت تحصیلی

براساس گزارش مؤسسه بین‌المللی آموزش، تعداد دانشجویان آمریکایی در خارج از کشور از ۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۹۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۴ جهش یافته است. جیمز اج، مدیر شرکت «فراسوی مرزها» که به دانشجویان برای تحصیل در خارج کمک می‌کند، گزارش داد: «از نوامبر ۲۰۲۴ تا ژوئیه ۲۰۲۵، بازدید از وب‌سایت ما از ۶۰۰ هزار به بیش از ۱.۵ میلیون و تماس‌های مشاوره‌ای از ۲ هزار و ۲۱۵ به ۲۹ هزار و ۲۷۲ رسیده است.» سرویس پذیرش دانشگاه‌های بریتانیا (UCAS) نیز اعلام کرد درخواست‌های دانشجویان آمریکایی برای تحصیل در بریتانیا در سال ۲۰۲۵ با ۱۴ درصد رشد، به بالاترین سطح از سال ۲۰۰۶ رسیده است. این آمار نشان‌دهنده تمایل روزافزون به فرار از فشارهای مالی، اجتماعی و البته سیاسی در آمریکا است.

هزینه‌های کمرشکن و جست‌وجوی فرصت

یکی از عوامل اصلی این موج، هزینه‌های بالای تحصیل در آمریکاست. میانگین شهریه سالانه دانشگاه‌های دولتی آمریکا بین ۱۱ تا ۳۰ هزار دلار است که اغلب با وام‌های تحصیلی تأمین می‌شود، در حالی که در اروپا و بریتانیا این رقم به‌طور متوسط حدود ۹ هزار دلار است. بدهی دانشجویی در آمریکا به بیش از ۱.۶ تریلیون دلار رسیده و یک نفر از هر ۱۶ آمریکایی را تحت تأثیر قرار داده است. جسیلودت دیویس، دانشجوی ۲۱ساله در دانشگاه انگلو-آمریکن پراگ، می‌گوید: «نمی‌خواستم برای مدرک من بدهی‌های کلان بپردازم

عکس روز

شعله‌های جادویی گربا: رقص بر لبه آتش

بیش از ۵ هزار شرکت‌کننده محلی بر گلوله‌های آتشین پنبه‌ای پابرنه چرخیدند



استقبالی جهانی و آمار خیره‌کننده

نورتری ۲۰۲۵ در گجرات با حضور بیش از ۱۰۰ میلیون شرکت‌کننده در ریشه در روستاهای گجرات دارد؛ جایی که زنان در دایره‌ای حول چراغی سفالی گرد هم می‌آیند تا الهه زایش را ستایش کنند. این آیین که توسط یونسکو به عنوان میراث ناملموس بشری ثبت شده، بخشی از جشن ۹ روزه نورتری است که پیروزی دورگا بر اهریمن ماهی‌شاسورا را گرامی می‌دارد اما «مشعل راس» جام‌نگر که از دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط گروه‌های محلی مانند «شسر» پاتل گاریی ماندال» احیا شد، لایه‌ای از خطر و ایمان عمیق را به آن می‌افزاید. رقصندگان روی انگاراراس یا همان لایه‌ای از خاکستر و پنبه سوزان می‌رقصند. این سنت، الهام‌گرفته از افسانه‌های کرشنا، از زنده می‌کند، بلکه اقتصاد محلی منتقل و در سال‌های اخیر با ترویج گردشگری، به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است.

کیوسک



گاردین آمریکا، عکس و تیترا اصلی خود را به ویرانه‌های بیمارستانی در غزه اختصاص داد و طی گزارشی اعلام کرد سیستم درمان در غزه نابود شده است.

گاردین آمریکا، عکس و تیترا اصلی خود را به جیمز کومی، رئیس اخراجی افبی‌آی در دور اول ترامپ اختصاص داد و از اعلام جرم علیه او خبر داد و اعلام کرد آمریکا وارد دوران سرکوب سیاسی شده است.



زک وودز، بازیگر سریال‌های محبوب «سیلیکن ولی» و «داره»، با انتشار ویدیویی به انتقاد از حضور کم‌دین‌های سرشناس مانند بیل بار، عزیز انصاری، ویتنی کامینگز، لونی سی.کی. و دیو شیل در فستیوال کم‌دی ریاض در عربستان سعودی پرداخت. او با لحنی طعنه‌آمیز، این کم‌دین‌ها را متهم به «سفیدشویی» جنایات عربستان کرد و به نقش ترکی آل الشیخ، رئیس اداره کل رفاه عربستان، در زندانی کردن افراد به دلایل سیاسی اشاره کرد. وودز با کنایه به قتل جمال خاشقچی و نقش ادعایی عربستان در حوادث ۱۱ سپتامبر، همکاری با این فستیوال را محکوم کرد. او به طنز از اجراهای خیالی کم‌دین‌ها برای رژیم‌های سرکوبگر مانند نازی‌ها یا عبیدی امین یاد کرد. وودز به درخواست دیدبان حقوق بشر برای تحریم این فستیوال اشاره و مارک مارون، کم‌دین دیگر، نیز این همکاری را به دلیل ارتباط با قتل خاشقچی محکوم کرد.

بنگه دنیا

نغمه‌های امید در جشن شکوفه‌ها

در روز ملی دختر آمریکا، ۵۰۰ میلیون دلار برای ۳۵.۵ میلیون دختر آمریکایی هزینه شد



الهام‌بخش درباره دختران در این روز هم مرسوم است و کتاب‌هایی مانند «زنان کوچک» (Little Women) یا «خاطرات آن فرانک» از جمله کتاب‌هایی است که به آن رجوع می‌شود. این داستان‌ها نه‌تنها الهام‌بخش‌اند، بلکه به ما یادآوری می‌کنند که دختران در هر شرایطی می‌توانند تأثیرگذار باشند. جالب است بدانید که اندکی پس از روز ملی دختران، در ۱۶اکتبر، روز ملی انتقال پول به دخترتان برگزار می‌شود. این روز به والدین فرصت می‌دهد تا کمی پول اضافی به دختران‌شان هدیه کنند. این روز، ابتکاری از سوی فعالان اجتماعی برای تشویق والدین به حمایت مالی و عاطفی از دختران است و بر اهمیت تأمین نیازهای مالی دختران، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، تأکید دارد. هدف اصلی آن، کاهش شکاف جنسیتی در دسترسی به منابع مالی و ترویج استقلال اقتصادی زنان از سنین پایین است. در سال ۲۰۲۵، تخمین زده می‌شود که آمریکایی‌ها حدود ۵۰۰ میلیون دلار برای هدیه‌ها و جشن‌های روز ملی دختران هزینه کرده‌اند که میانگین ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار به ازای هر خانواده با دختر است. این رقم شامل خرید لباس، جواهرات، تجربیات تفریحی و هدایای دیجیتال می‌شود. بیش از ۷۰ درصد والدین برنامه‌ریزی می‌کنند تا حداقل ۵۰ دلار برای هدیه خرج کنند و ۴۰ درصد آن‌ها به سمت گزینه‌های غیرمادی مانند وقت‌گذرانی یا تجربیات آموزشی گرایش دارند.

آن، این مناسبت را بیش از پیش برای خواننده روشن می‌کند. دختران ۵ تا ۹ساله در جهان به‌طور متوسط ۳۰درصد بیشتر از پسران وقت خود را صرف کارهای خانه می‌کنند و هنوز وظیفه خانه‌داری، رویه‌هایی جنسیتی دارد. بر اساس یک مطالعه، تعداد دفعاتی که یک دختر نوجوان در طول یک سال به‌خاطر مسائل عاطفی گریه می‌کند عدد ۱۲۳ را نشان می‌دهد در حالی که همین میزان برای پسران عدد ۲۱ را نشان می‌دهد. جالب است بدانید هنوز حدود ۶۷درصد از مردان آمریکایی ترجیح می‌دهند فرزندشان پسر باشد و از این رو تنها ۲۹درصد از مادران باردار آمریکایی ترجیح می‌دهند فرزندشان دختر باشد و ۴۷درصد به دنبال فرزند پسر هستند و تنها ۱۶درصد تفاوتی برای جنسیت فرزندشان در نظر ندارند. البته این رویکردی جهانی است و همین دیدگاه سبب می‌شود بین تعداد دختران و پسران تحمیل‌کرده در جهان تفاوتی معنادار باشد و ۶۱درصد از جوانانی که نمی‌توانند بخوانند یا بنویسند، زن هستند. به علاوه، ۶۵ میلیون نفر از دختران سراسر جهان به مدرسه دسترسی ندارند.

سنت‌های روز ملی دختران

سنت اصلی این روز، توجه ویژه به دختران و انجام فعالیت‌هایی است که آن‌ها را خوشحال می‌کند. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل وقت‌گذرانی با دختران، بردن آن‌ها به ستوران محبوب و تماشای فیلم مورد علاقه‌شان باشد. خواندن داستان‌های



روز ملی دختران در آمریکا که هر سال در ۲۵ سپتامبر برگزار می‌شود، فرصتی است برای گرامیداشت دخترانی که با عشق، شادی و خلاقیت، زندگی را روشن می‌کنند. در ایالات متحده، جمعیت کودکان زیر ۱۸سال حدود ۷۳میلیون نفر است که از این تعداد، حدود ۳۷.۵ میلیون پسر و ۳۵.۵ میلیون دختر تشکیل می‌دهد. نسبت جنسیتی در این گروه سنی ۱۰۴.۸ پسر به ازای هر ۱۰۰ دختر است. روز ملی دختران فرصتی است برای قدردانی از نقش بی‌بدیل دختران در خانواده و جامعه. دختران نه‌تنها نگهداران پیوندهای خانوادگی هستند، بلکه با خلاقیت، هوش و تعهد خود، خانواده‌ها را متحد و سالم‌نگه می‌دارند. این روز، یادآوری می‌کند که دختران با وجود موانع تاریخی و اجتماعی، شایسته توجه و حمایت ویژه هستند. در بسیاری از فرهنگ‌ها، به‌ویژه در گذشته، داشتن دختر به‌عنوان یک «بار اضافه» تلقی می‌شد اما امروز این دیدگاه در بسیاری از نقاط جهان در حال تغییر است.

تاریخچه روز ملی دختران

ریشه‌های روز ملی دختران به هند بازمی‌گردد، جایی که هنوز در برخی مناطق به دنیا آمدن دختر با تبعیض و نگرش منفی همراه است. به گزارش هندوستان تایمز، در حالی که شهرهای بزرگ هند این دیدگاه را کنار گذاشته‌اند، در مناطق روستایی همچنان تولد دختر با چالش‌هایی همراه است. این روز در هند به‌عنوان تلاشی برای تغییر این نگرش و ارج نهادن به دختران شکل گرفت. در ایالات متحده، این روز در بستر جنبش‌هایی مانند #من_هم، معنای عمیق‌تری پیدا کرده است. زنان و دختران در طول تاریخ آمریکا با موانع بزرگی مواجه بوده‌اند. در قرن هجدهم، قوانین انگلو-آمریکایی استقلال زنان را در امور اقتصادی، سیاسی و مدنی به رسمیت نمی‌شناساختند. مردان از امتیازات اجتماعی و قانونی بیشتری برخوردار بودند و زنان تا سال ۱۹۲۰ حق رای نداشتند. حتی تا دهه ۱۹۶۰، بسیاری از زنان به‌عنوان خانه‌دار فعالیت می‌کردند و فرصت‌های شغلی محدودی داشتند. روز ملی دختران فرصتی است برای بازتاب این تاریخ و تلاش برای برابری جنسیتی.

به روایت آمار

آمار و ارقام جالبی درباره دختران وجود دارد که مرور

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



بازگشت طوفانی جیمی کیمل: ۲۶ میلیون بیننده در شبکه‌های اجتماعی

پس از یک هفته غیبت پر حاشیه، برنامه «جیمی کیمل زنده» با اپیزود سه‌شنبه شب خود به صحنه بازگشت و طوفانی در دنیای رسانه به پا کرد. بر اساس گزارش نیلسن، این اپیزود ۶.۲۶ میلیون بیننده از شبکه‌ای‌بی‌سی جذب کرد که رشدی چشمگیر نسبت به میانگین ۱.۷۷ میلیون بیننده در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد. این آمار تنها شامل پخش تلویزیونی است و با احتساب پلتفرم‌های استریم، انتظار می‌رود تعداد بینندگان واقعی بسیار بیشتر باشد. مونولوگ افتتاحیه کیمل در شبکه‌های اجتماعی غوغا به پا کرد و تاظهر چهارشنبه، تنها ۱۲ ساعت پس از انتشار، بیش از ۲۶ میلیون بازدید در یوتیوب و دیگر پلتفرم‌ها ثبت کرد. این ویدیو رکورد پربیننده‌ترین مونولوگ کیمل از زمان مصاحبه او با اسنوپ داگ، دکتر دره و فیفتی سنت در مارس ۲۰۲۴ با ۱۴ میلیون بازدید را شکست و حتی از مونولوگ احساسی او درباره تولد پسرش در سال ۲۰۱۷ با ۱۴ میلیون بازدید پیشی گرفت. این اپیزود که پس از جنجال شوخی کیمل با ترور «چارلی کرک» خشن شد، با حمایت گسترده سلبریتی‌هایی مانند مریل استریپ، تام هنکس و رابرت دنیرو همراه بود. این بازگشت پر قدرت نشان داد که جیمی کیمل همچنان یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های کم‌دی در رسانه‌های آمریکایی است و توانایی جلب توجه میلیون‌ها بیننده را حتی در میان جنجال‌ها حفظ کرده.

**مسیر باز یگری؛ از کلاس‌ها تا صحنه تئاتر**

این روزها بسیاری از جوانان علاقه‌مند به بازیگری بر این باورند که راه اصلی ورود به سینما، گذر از کلاس‌های پر هنر-بینه بازیگری است. اما آیا واقعاً این مسیر جاده اصلی برای رسیدن به نقش محسوب می‌شود؟ «کلاس‌های بازیگری می‌توانند یکی از مسیرها باشند، اما نه تنها مسیر. واقعیت این است که نسبت تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در این کلاس‌ها به خروجی واقعی، چندان بالا نیست. من معتقدم استعداد در نهایت راه خودش را پیدا می‌کند؛ حتی اگر کسی به کلاس نرود، باز هم در جایی دیده خواهد شد. به همین دلیل، توصیه من به علاقه‌مندان عرصه بازیگری این است که تئاتر را جدی بگیرند. صحنه تئاتر جایی است که اولین بارقه‌های استعداد شکوفا می‌شود و بسیاری از بازیگران در چه یک‌ماز همین مسیر آمده‌اند. حتی خود من بارها در سالن‌های کوچک تئاتر استعدادهایی را دیده‌ام که نامشان را برای آینده یادداشت کرده‌ام. بنابراین اگر کسی واقعاً به بازیگری علاقه دارد، نباید تئاتر را دست‌کم بگیرد؛ اینجا همان جایی است که استعداد بی‌پرده خودش را نشان می‌دهد.»



این جا ببینید



گام اعتقاد دارم. سال‌هاست که ساخت فیلم‌های صد ثانیه‌ای تدریس می‌کنم، چون خودم از همین فضا آمدم. اولین فیلم‌های من که دیده و مشهور شدند، کارهای کوتاهی مثل انیمیشن «پدر» یا فیلم «مسافر» بودند؛ فیلم‌هایی کم‌هزینه، ارزان و تأثیرگذار. پیشنهاد من به جوانانی که دستشان خالی است، این است که از همین جا شروع کنند. فیلمی بسازند که مردم بخوانند. تئاتر را دست‌کم نگیرند؛ اینجا همان جایی است که استعداد بی‌پرده خودش را نشان می‌دهد.»

انبوه فیلم‌های کم‌دی سطحی تغییر کرده است. من طرفدار کم‌دی خوب هستم، اما بسیاری از این فیلم‌ها هدفی جز پول در آوردن به هر قیمتی ندارند. حالا کار ما سخت‌تر شده که آن مخاطب را دوباره به سالن‌ها برگردانیم. خوشبختانه اسامی اتفاقات خوبی در حال رخ دادن است و می‌بینیم که فیلم‌های اجتماعی فروش خوبی دارند. این برای ما که به این سینما عشق می‌ورزیم، جای خوشحالی دارد. اگر جریان سرمایه به سمت سینمای اجتماعی بازگردد، بسیاری از کارگردانان جوان و بااستعدادی که امروز خانه‌نشین شده‌اند، می‌توانند دوباره فیلم بسازند. این خیلی غم‌انگیز است که دوستانی دارم که فیلم‌های درخشان ساخته‌اند اما سال‌هاست بیگارند. انتظار می‌رود تهیه‌کنندگانی که از کم‌دی‌ها سودهای کلان می‌برند، حداقل بخشی از آن را صرف تولید فیلم‌های اجتماعی کنند و به آینده فرهنگی این سینما هم نگاهی داشته باشند.»

شاه‌کلید موفقیت و قدرت شبکه‌های اجتماعی

برای جوانی که می‌خواهد در سینمای اجتماعی فیلم بسازد، چه راهی وجود دارد؟ آیا شاه‌کلیدی برای موفقیت هست؟

«هیچ شاه‌کلیدی وجود ندارد. من به مسیر گام به

افزود؛ تنشی که در فیزیک و میمیک صورتش وجود داشت و با اوج گرفتن حوادث، شدیدتر می‌شد. اما در مورد علی صالحی، صادقانه بگویم تا پیش از این فیلم، هیچ کاری از او ندیده بودم و شاید همین نقطه قوت ماجرا بود، چون هیچ قضاوتی نسبت به او نداشتم. به توصیه دوستان دیدمش و وقتی برای اجرا آمد، مطمئن شدم خود شخصیتی است که می‌خواهیم. انرژی‌ای که برای نقش گذاشت، برایم بی‌نهایت ارزشمند بود. پادم استی در سکانس مزمر، در یک شب بسیار سرد که زمین گلی بخ یخ زده بود، او پنج-شش ساعت در همان نقطه نشسته بود و از جایش تکان نمی‌خورد تا در حس باقی بماند. به نظرم حشش بود که به خاطر این همه زحمت، دیده شود. نقش کوتاه و بلند وجود ندارد، کیفیت مهم است.»

سینمای اجتماعی در عصر گیشه: ریسک یا ضرورت؟

پس از هشت سال دوری از سینما، خردمندان با یک درام اجتماعی بازگشته است؛ آن هم در دورانی که گیشه در تسخیر کم‌دی‌هاست. آیا این یک ریسک بزرگ نبود؟

«خیلی سخت است. جذب سرمایه در سینمای اجتماعی کار بسیار دشواری است. متأسفانه در سال‌های گذشته، ذائقه بخشی از مخاطبان را تولید

انتخاب‌های درخشان: از کاریزم‌های حجازی‌فر تا کشف علی صالحی

یکی از نقاط قوت «ناتور دشت»، گروه بازیگری یکدست آن است. زوج هادی حجازی‌فر و میرسعید مولویان برای اولین بار در کنار هم قرار گرفته‌اند و علی صالحی یکی از بهترین بازی‌های کارنامه‌اش را ارائه داده است. «در مورد هادی حجازی‌فر، ما از ابتدا گزینه دیگری جز خود ایشان نداشتم. او جزو معدود بازیگران کاریزماتیک سینمای ایران در این بازه سنی است که چهره‌ای بسیار ناتورالیستی دارد و همین وجه تمایز اوست. در عین حال از هوش فوق‌العاده‌ای هم برخوردار است. وقتی از نزدیک بیشتر با او آشنا شدم، متوجه شدم خیلی بیشتر از چیزی که فکر می‌کردم «احمد پیران» است. خاستگاه اجتماعی‌اش و چیزهایی که از او دیدم، ما را به یقین رساند که او خود پیران است. برای نقش آیهان، میرسعید مولویان را از فیلم «تومان» به خاطر داشتن و دانستنم از آن دسته بازیگرانی است که برای نقش می‌جنگد و آن را زندگی می‌کند. در جلساتی که داشتیم، متوجه شدم او گزینه مناسب است. میرسعید به درستی شخصیت آیهان و گذشته پر از تنشش را پیدا کرد و حتی جزئیاتی را از دوستی که اعتبار را ترک کرده بود، الگو گرفت و به بازی‌اش

گفت‌وگو با سیدمحمد رضا خردمندان درباره تازه‌ترین فیلم اجتماعی‌اش «ناتور دشت»

سینمای اجتماعی یا میدان‌مین؟

- فیلم «ناتور دشت» روایت واقعی بحران اخلاقی احمد پیران است که با تمرکز بر شخصیت‌ها، تعلیق، واکنش مردم و انتخاب بازیگران کاریزماتیک، سینمای اجتماعی را برجسته می‌کند
- این فیلم تجربه‌ای چندلایه از واقعیت، انسان و انتخاب ارائه می‌دهد و شخصیت‌ها با کنش و واکنش‌های پیچیده، روایت اجتماعی و انسانی را شکل می‌دهند

عمل کنی تا تماشاگر سالن سینما را ترک نکند. ما از این حادثه به عنوان بهانه‌ای استفاده کردیم تا به دغدغه‌های شخصی خودمان بپردازیم؛ مسائلی چون بحران روابط انسانی، گسست نسلی، محیط زیست و پیچیدگی‌های شخصیت‌ها. در واقع، ما یک درام مبتنی بر شخصیت بنا کردیم. نکته جالب برای من، نمایش حضور مردم از زاویه دید شخصیت منفی قصه بود. وقتی شما از نگاه آنتاگونیست به موج عظیم مردم نگاه می‌کنید، آن فشار و قدرتی که بر او وارد می‌شود، بسیار پررنگ‌تر و ملموس‌تر احساس می‌شود. در ماجرای پسنا، کنش‌های مردمی شگفت‌انگیزی رخ داد؛ از لشکر موتورسواران گرای و گروه‌های سگ‌های جستجوگر گرفته تا کاپت‌سوارانی که از اقصای نقاط کشور آمده بودند. اینها همه جذابیت‌های سینمایی دارند، اما یک تله بزرگ هم هستند. ممکن است انقدر درگیر این جذابیت‌های بیرونی شوی که قصه را از دست بدهی. ما تصمیم گرفتیم به سراغ شخصیت‌ها برویم و از زاویه دید آنها به ماجرا نگاه کنیم. من معتقدم در سینما، آنچه در نهایت در ذهن مخاطب می‌ماند، شخصیت‌ها هستند. حتی داستان‌ها هم به مرور زمان کم‌رنگ می‌شوند. اگر فیلمی بتواند از دریچه شخصیت‌ها به حوادث اجتماعی بپردازد، ماندگارتر خواهد شد.»

گروه فرهنگ و هنر | در میان فیلم‌های روی پرده، «ناتور دشت» اثری است که با رویکردی اجتماعی، به سراغ داستانی واقعی و پرتلاطم رفته است. این فیلم به کارگردانی سیدمحمد رضا خردمندان، فارغ از شباهت نامش با رمان مشهور سلینجر، روایتی از جستجو و بحران‌های اخلاقی را در دل یک واقعه خبری به تصویر می‌کشد. به بهانه اکران این فیلم، در گروه فرهنگ و هنر روزنامه «هفت صبح» با کارگردان آن به گفت‌وگو نشستیم تا از چالش‌های ساخت اثری مبتنی بر واقعیت، دغدغه‌ها و جهان‌بینی پشت آن بشنویم. حاصل این گفت‌وگو، تأملی است بر سینما، انسان و تقلا برای ماندن در دشتی که هر لحظه بیم سقوط در آن می‌رود.

راز یک نام: نگهبان دشت یا پژواک سلینجر؟ در اولین مواجهه، نام فیلم، «ناتور دشت»، ذهن را بی‌اختیار به سمت رمان مشهور و محبوب سلینجر می‌کشاند. آیا این یک قلاب هوشمندانه برای جذب مخاطب بود یا رازی دیگر در پس آن نهفته است؟ خردمندان با لایندگی که گویی این پرسش را بارها شنیده، راز این انتخاب را این‌گونه می‌گوید: «گذارید در ابتدا بگویم که رمان ناتور دشت یکی از پنج رمان برتر زندگی من است؛ از آن کتاب‌هایی که سالی یک‌بار می‌خوانمشان و تأثیر عمیقی در نوجوانی بر من گذاشت. با این حال، انتخاب این نام برای فیلم، پس از تدوین اتفاق افتاد. وقتی فیلم تقریباً تمام شده بود، به این نتیجه رسیدیم که این نام برازنده است. دلش هم تشابهی بود که بین شخصیت اصلی فیلم، احمد پیران و هولدن کالفیلد سلینجر وجود داشت. به یاد بیاورید آن‌را از مشهور رمان‌ها که هولدن می‌گوید دوست دارد در انتهای یک دشت بایستد و مراقب بچه‌هایی باشد که در حال سقوط هستند. این مفهوم نگهبانی و مراقبت، جوهره اصلی شخصیت ما بود. از سوی دیگر، «ناتور» در ادبیات کهن ما نیز ریشه دارد. سعدی در بوستان می‌گوید: «جهان‌دیده پیری بر او بر گذشت / چنین گفت خندان به ناتور دشت» ناتور یا ناتور به معنای نگهبان باغ یا دشت است و شخصیت اصلی فیلم ما نیز یک محیط‌بان، یک نگهبان طبیعت بود. این پیوند معنایی، ترکیبی جذاب را خلق کرد و اگر از همه اینها بگذریم، من عاشق این اسم بودم و دوست داشتم روزی از آن استفاده کنم.»

از خبر تا درام: چالش قصه‌ای که همه با یانش را می‌دانند

«ناتور دشت» با الهام از ماجرای واقعی گم‌شدن «پسنا» شکل گرفته است؛ داستانی که سال گذشته وجدان جامعه را در دورداد آورد. حرکت به سمت چنین سوزهای آشنایی، همواره با این ترس همراه است که تعلیق، این‌عنصر حیاتی درام، قربانی شود. آیا خردمندان از این چالش نهراسید؟ «طبیعتاً این ترس همیشه وجود دارد، اما این ترس است که به شما کمک می‌کند قوی‌تر وارد میدان شوید. وقتی قصه‌ای هست که همه سر و ته آن را می‌دانند، چالش اصلی تو به عنوان نویسنده و کارگردان این است که چقدر می‌توانی قدرتمند

نگاه**به بهانه نمایش خون‌نگار**

صحنه دورنگ

نمایشی که جسارت و ابتکار دارد، اما تضاد میان ژانرها و هماهنگی صحنه، گاهی تجربه تماشاگر را به چالش می‌کشد

حمید بهشتی
هفت صبح

کنسرت-نمایش «خون‌نگار»، به نویسندگی محمد رحمانیان و کارگردانی مهیار علیزاده، تلاشی جسورانه است برای پیوند شعر کلاسیک با موسیقی معاصر. در بوستر و خلاصه نمایش آمده است که «خون‌نگار-شعر زن است؛ یک راز، یک عشق، یک فاجعه». این فضا با مضمون غزل‌گون، یادآور اشعار مولاناست که خون و عشق و نابودی را در هم می‌آمیزد. تئاتر «خون‌نگار» با ترکیب قطعاتی برگرفته از اشعار کلاسیک فارسی، روایت‌های زنانه و فضایی رازآلود، سعی در خلق اثری بدیع دارد. محمد رحمانیان که پیش‌تر در آثار مختلف تئاتریش به قدرت متن و جذابیت قصه‌گویی مشهور شده، در این اثر نیز زبانی قدرتمند و گیرا دارد که مخاطب را به درون قصه می‌کشاند.

بازیگران و اجرا

بازیگران «خون‌نگار» ترکیبی نامتعارف و پرجنب‌وجوش هستند: از مسعود کرامتی، بازیگر کهنه‌کار تا خواننده مشهور رپ، سینا ساعی. ساغر رجبی که بر اساس طرح اولیه او نمایش شکل گرفته، یکی از نقش‌های کلیدی را ایفا می‌کند و در این اجرا درخشان ظاهر شده است. اجرای پرشور و متمرکز او یکی از نقاط قوت نمایش است.

در مقابل، حضور سینا ساعی، خواننده شناخته‌شده موسیقی رپ، بیش از آنکه ساختار نمایشی را غنی کند، جنبه جذب مخاطب دارد. هرچند او یکی از تکنیک‌دارترین و محبوب‌ترین رپرهای فارسی در میان نسل جوان است، اما فضای سنگین و شاعرانه «خون‌نگار» با لحن ریتمیک و مدرن او همخوانی ندارد. صدای رپ، که معمولاً با هیجان و جنبش همراه است، در صحنه بیشتر ملق و آرام به گوش می‌رسد و بازی او چندان روان نیست. به

نظر می‌رسد انگیزه اصلی افزودن او به ترکیب بازیگران، تأمین مخاطب بیشتر باشد و نه ضرورت دراماتیک اثر. محمد ولی‌زادگان دیگر بازیگر اصلی، اجرای نسبتاً ساده و دور از انتظار ارائه داد. او که پس از درخشش در فیلم سینمایی «پیر پسر» مورد توجه منتقدان قرار گرفت، در «خون‌نگار» نتوانسته است در همان حد و اندازه ظاهر شود. توانایی وی در دراماتیک‌پردازی سینمایی، در بستر این کار موسیقایی-نمایشی به‌خوبی به چشم نیامد. دیگر بازیگران نمایش مانند سوگل خلیق تلاش می‌کنند با ایجاد تنوع در فضا و نقش، بار دراماتیک‌اثر را به دوش بکشند، اما هماهنگی آنها گاهی کند و فاصله‌دار احساس می‌شود. گروه حرکتی-اعم از اجراهای موزون و اجزای بدنی- نیز انسجام مناسبی ندارد؛ بخش‌هایی از حرکت گروهی گسسته و کم‌هماهنگ اجرا شد که ضرابهنگ کلی صحنه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

موسیقی و متن

کارگردان-آهنگساز مهیار علیزاده، که سابقه خلق آثار تلفیقی دارد، این بار تجربه‌ای متفاوت را دنبال کرده است. موسیقی نمایش اساساً از ملودی‌های دستگاهی و قطعات کلاسیک ایرانی تشکیل شده که روی آوای بازیگران اجرا می‌شود. در پس‌زمینه فضایی نیمه‌سنتی حاکم است، اما حرکت ناگهانی به سمت شعرخوانی با صدای سینا ساعی که در فضای این گونه موسیقی برای ما ناآشنا است جنبه تناقض‌آمیز پیدا می‌کند. شعرهای انتخابی قصد دارد زبان زنان و وضعیت اجتماعی آنان را بازگو می‌کند و تأکید زنانه دارد، اما اجرا و چیدمان متن چندان یک‌دست و منطبق بر تحرک نمایشی نیست. به هر حال، متن محمد رحمانیان با تکیه بر نثری قدرتمند و پرکشش نوشته شده است؛ او سال‌هاست که در تئاتر به قدرت نوشتن دیالوگ و فضاپردازی شناخته می‌شود و «خون‌نگار»

صحنه آخر

نیز از این نظر ضعیف نیست. این اجرا اگرچه گاهی دستخوش نقصان اجرایی می‌شود، اما نفس موضوع و زاویه نگاه زنانه قصه همچنان جذاب است.

«خون‌نگار» نمایشی دارای ایده و لحن خاص است که ترکیب شعر کلاسیک و موسیقی معاصر را هدف گرفته. بازی ساغر رجبی یکی از نقاط قوت اثر است و متن محمد رحمانیان قدرت روایی مناسبی دارد. اما تضاد ژانرهای، بازی‌های گاه نامتوازن و هماهنگی اندک اجراهای بدنی، از انسجام کلی کار کاسته است. به نظر می‌رسد مخاطب اصلی این نمایش، بیش از آنکه پیگیر قصه باشد، مشتاق تجربه‌ای از تلفیق موسیقی و شعر خواهد بود؛ تجربه‌ای که اگرچه به کمال نرسیده، اما جسارت جست‌وجوی راه نو در آن قابل تقدیر است.

یادداشت‌های یک راننده تاکسی اینترنتی

خبرین بی ادعایی

که هنوز بوی انسانیت می دهند

زن از همان ابتدای نشستن در ماشین، شروع به صحبت می کند. زن سالخورده و دنیا دیده‌ای که به نظر می رسد حرف‌های زیادی برای گفتن دارند و دنبال گوش شنوایی می گردد. هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته که از مقابل بلیبوردی که مختص آغاز سال تحصیلی است، عبور می کنیم و همین بهانه‌ای می شود برای زن تا سر در دلش باز شود: «ها گروهی از خیرین داریم که تلاش می کنیم تا به دانش آموزان نیازمند یازنان بی سرپرست یا خانواده‌های کم بضاعت از این جور چیزها، کمک کنیم.» اینها را همان مسافر سالخورده من می گوید و ادامه می دهد: من خودم معلم بازنشسته آموزش و پرورش هستم. کاری ندارم که چقدر مشکلات داریم و مسئولان ما چقدر در اداره کشور ناتوان هستند، ولی همین قدر می دانم که اسرائیل و آمریکا هم عاشق چشم و ابرو و نگران مردم ما نیستند!» نفسی چاق می کند و ادامه می دهد: «روز اول مهرماه امسال دیدم که شاگردان یکی از مدارس نارمک برای دوستشان که از فرزندان یکی از شهرداری نخبه هسته‌ای بودند و در جریان حمله اسرائیل شهید شده بودند، مراسمی برگزار کرده‌اند. خیلی دردناک بود. روز اول مهر که همه بچه‌ها شاند و خوشحال، بچه‌های این مدرسه به خاطر دوستشان؛ گریه می کردند و برایش مراسم برگزار کرده بودند. انگار داغ دلش از مرور این خاطرات تازه شده باشد، ادامه می دهد: چرا امروز شلوغ است؟ وقتی جواب می دهم که دلایل ترافیک آغاز سال تحصیلی است، انگار دوباره چیزی یادش آمده باشد، می گوید: گروه خیریه ما، بچه‌های زیادی را تحت پوشش خود دارد و به آنها کمک می کند. بچه‌هایی که یا خانواده خود را از دست داده‌اند یا در خانواده‌های کم بضاعت زندگی می کنند. ما بعد از بررسی و صحت‌سنجی وضعیت آنها، تلاش می کنیم تا هزینه‌های ادامه تحصیل شان را فراهم کنیم. مثلاً الان یکی از همان بچه‌ها دانشجو دانشگاه علامه شده است. یک ریز حرف می زند؛ بدون خستگی. انگار دارد گزارش کار می دهد: علاوه بر این ما بازار چقه‌هایی برای زنان بی سرپرست برپا می کنیم تا آنها محصولات دست‌سازشان را عرضه کرده و به فروش برسانند. مثلاً همین چند روز پیش یک بازارچه در بوستان تنقاییک داشتیم که استقبال بی نظیری از آن شد. دوباره انگار نکته‌ای از قلم افتاده به خاطرش آمده باشد، می گوید: واقعا مردم خوبی داریم. دخترها و زنان شهرمان فقط برای اینکه به این زنان کمک کنند، آنچنان خرید می کردند که واقعا حیرت‌آور بود. شاید باور نکنید ولی یک معتمد هم آمده بود داخل بازار چه. اما نه تنها هیچ آزاری به کسی نرساند که حتی با همان پول‌های مجالّه شده‌ای که داشت، چند قلم جنس خرید. می گفت باید به اینها کمک کرد.ا... انگار خودش از یادآوری این خاطرات به وجد آمده باشد، چند ثانیه‌ای مکث می کند و می گوید: واقعا که مردم خوبی داریم. شما شاید ندانید ولی من به عینه بارها دیده‌ام. همین چند وقت قبل یکی از زندانیان که ۷۰۰ میلیون تومان بدهی داشت را آزاد کردیم. درست بعد از آن اسرائیل اوین را زد. خودش می گفت اگر من هم آنجا بودم شاید کشته می شدم. حالا پولش را چه کسانی داده بودند؟ تعدادی از رفتگرها و یکی از نگهبانان یک شرکت خصوصی که از همکارانش حدود ۴۰۰ میلیون پول جمع کرده بود؛ ما چنین مردمی داریم! به مقصد رسیدهایم. معلم بازنشسته تشکری می کند و هنگام خروج از ماشین می گوید: اینجا قرار است برای گروهی از خیرین سخرانی کنم. شاید بتوانیم کمک‌های بیشتری را برای حمایت از اقشار کم بضاعت جذب کنیم. زن که پیاده می شود ته دلم احساس رضایت می کنم. از اینکه در جامعه‌ای زندگی می کنم که هنوز رنگ و بوی انسانیت در آن، گرچه کم رنگ شده ولی نمره دارد.



درباره فشار تورم که سفر، تفریح و سرگرمی را از سبذ زندگی ایرانیان حذف کرده و جامعه را به سمت فرسودگی جمعی برده است

زندگی بدون طعم ایرانی‌ها

جامعه‌ای که تفریح ندارد، پر خاشگر تر و کم تحمل تر شده و روابط خانوادگی در آن سست تر می شود

مینا هرمزی

هفت صبح

«با جان الان وقت نداریم بریم شهر بازی... باشه برای یک وقت دیگه...» اینها را پدر جوانی خطاب به فرزند ۶-۷ ساله‌اش می گوید که دم در شهر بازی پیروزی ایستاده و با گریه از وی می بیند، خطاب به شوهرش می گوید: «خب بریم کمی بچرخیم و برگردیم... این بچه خودش را کشت!» مرد اما لبخند تلخی می زند و با لحنی عصبی می گوید: «بریم کمی بچرخیم و برگردیم؟ همین چند ساعت چرخیدن چند میلیون برای من آب می خورد. مگر من چقدر حقوق می گیرم که یک شنبه ۳۰-۴۰ درصد آن را بدهم برای بازی؟ فکر اجاره خانه و هزینه تعمیر ماشین اعمامبر را به هم ریخته؛ حالا بیایم و کلی هزینه کنیم برای چند ساعت بازی...» مرد اینها را می گوید و بچه را بغل می کند و همراه همسرش به سمت ماشین شان می روند. پسر بچه اما همچنان ضجه می زند و با نگاهی اشک آلود به دستگاه‌های بزرگ و چراغ‌های روشن داخل شهر بازی نگاه می کند!

در چنین شرایطی دیگر نمی توان گفت که تورم فقط یک پدیده اقتصادی است، بلکه تجربه‌ی دایبی از زندگی است. مردمی که فرصت شادای، تجربه، یادگیری یا خیلی کم رنگ می شوند، اثرات زیادی در سطح زندگی فردی و اجتماعی دیده می شود.

وقتی تورم بالا می رود، چند اتفاق پشت سر هم رخ می دهد، چون در آمد واقعی (قدرت خرید) مدام کاهش پیدا می کند، مردم مجبورند بیشتر کار کنند تا فقط خرج‌های ضروری را پوشش دهند. سفر، تفریح، خریدهای دلخواه، آموزش‌های غیر ضروری و حتی ساده‌ترین دورهمی‌ها تبدیل به «کالای لوکس» می شوند. زندگی به «کار برای بقا» خلاصه می شود؛ نه «زندگی برای رشد و تجربه». کار بی وقفه بدون نشاط، ذهن و بدن را فرسوده می کند و جامعه به سمت افسردگی جمعی می رود.

همچنین جامعه‌ای که تفریح ندارد، پر خاشگرتر و کم تحمل تر می شود. نسل جوان احساس می کند زندگی فقط «زنده ماندن» است، نه «زندگی کردن». خلایق، ناآوری و امید به آینده به شدت کاهش پیدا می کند. حتی روابط خانوادگی از کیفیت می افتد، چون همه خسته و بی حوصله‌اند.



در حقیقت، نبود تفریح، جامعه را خسته، عصبانی و کم انرژی می کند؛ چیزی که در بلندمدت حتی به اقتصاد هم ضربه می زند. بنابراین تورم فقط سفره مردم را کوچک نکرده، بلکه نشاط اجتماعی را هم از بین برده است

با بیان اینکه وقتی انسان از چارچوب‌های نرمال خود خارج و زیست انسانی دچار گسست می شود به «هفت صبح» می گوید: در این شرایط، اولین عارضه آن است که به لحاظ طبیعی فرد نمی تواند فکر کند و تصمیم بگیرد. وقتی انسان تحت فشار است اختلال بی خوابی، بی اشتهاپی، فشار عصبی، مشکلات قلبی و... پیدا می کند که همه این موارد باعث می شود انسان حتی نتواند درست فکر کند. مثلاً در یک مذاکره، انسان‌ها رفتارهایی از خود بروز می دهند که رفتار طبیعی نیست و مذاکره موفقی نخواهند داشت. بنابراین در چنین شرایطی، حتی ارتباطات بین فردی هم دچار مشکل می شوند.

وی با ذکر اینکه فشارهای روحی و روانی باعث می شود انسان‌ها چه از لحاظ درون فردی و چه از لحاظ برون فردی - اجتماعی - دچار مشکل شوند، ضمن تأیید حذف تدریجی تفریح و سرگرمی از سبذ خانواده‌های ایرانی، در مورد تبعات روانی و اجتماعی آن می گوید: حذف تدریجی سرگرمی کم کم باعث می شود تا شهروندان یک جامعه به سمت افسردگی و از هم گسیختگی ارتباطات اجتماعی سوق پیدا کنند. به عنوان مثالی ساده، همانطور که می دانید در مواجهه با



حذف تدریجی تفریح و گسست خانواده‌ها

محمدرضا ایمانی روانشناس و متخصص علوم رفتاری

گزارش

صعود تاریخی اینستاگرام به جایگاه دوم

پرکارترین شبکه اجتماعی جهان با عبور از سه میلیارد کاربر فعال

جشن



اینستاگرام

فیس بوک با بیش از سه میلیارد کاربر همچنان در صدر ایستاده است اما رشد انفجاری اینستاگرام جایگاهش را بیش از پیش تهدید می کند



حمیدرضا خالقی
هفت صبح

به تازگی اینستاگرام اعلام کرده که آمار کاربران فعالش در ماه به بیش از ۳ میلیارد رسیده است. این یک نقطه عطف مهم برای این پلتفرم اشتراک گذاری عکس و ویدیو است که در سال ۲۰۱۸، به یک میلیارد کاربر رسیده بود. موضوعی که نشان از عمق نفوذ پلتفرم‌های مختلف در بین مردم جهان دارد.

محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی از زمان آغاز به کار خود در سال ۱۹۹۶، توانسته‌اند بیش از ۸۰۰۶ میلیارد نفر در جهان را جذب کنند. حالا و در سال ۲۰۲۵، در جدیدترین گزارشی که منتشر شده وضعیت اقبال مردم جهان به این پلتفرم‌ها و میزان محبوبیت آنها به صورت زیر بوده است: براساس گزارش‌های معتبر منتشر شده، پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی عبارتند از: فیس بوک و تلگرام (برای ارتباطات شخصی و خانوادگی)، اینستاگرام و تیک تاک (برای اشتراک گذاری محتوا و برندینگ شخصی)، یوتیوب (برای آموزش و ویدیوی و پخش زنده) و تلگرام (برای گروه‌های تخصصی و اطلاع رسانی)

فیس بوک همچنان در صدر

اما از لحاظ آماری و ویژگی‌های فنی هر کدام از این پلتفرم‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟ در قالب گزارش‌های منتشر شده که مربوط به چند ماه قبل و پیش از ادعای رکوردشکنی ۳ میلیاردی اینستاگرام است، برط‌فادرترین شبکه‌های اجتماعی و شاخصه‌های آن را می توان به صورت زیر مورد ارزیابی قرار داد:

یک پله صعود
با این حال به نظر می رسد با توجه به ادعای جدید اینستاگرام، حالا این پلتفرم با یک ده ارتقا به جایگاه دوم جهان رسیده است. همچنین شاید جالب باشد که بدانید، اگر چه ایالات متحده و چین به عنوان بزرگترین بازارهای شبکه‌های اجتماعی شناخته می شوند اما اکثر پلتفرم‌های پیشرو و بیش از ۱۰۰ میلیون کاربر در ایالات متحده ایجاد شده‌اند. با این حال، پلتفرم‌هایی مانند Douyin و WeChat در چین به دلیل محتوای محلی بومی و ویژگی‌های متناسب با فرهنگ این کشور، محبوبیت چشمگیری کسب کرده‌اند. موفقیت شبکه اجتماعی Douyin باعث شد تا نسخه بین‌المللی آن با نام TikTok به سرعت در سراسر جهان گسترش یابد.

رقابت تیک تاک و یوتیوب

همچنین براساس گزارش We Are Social: تیک تاک بالاترین میانگین زمان صرف‌شده در رسانه‌های اجتماعی برای هر کاربر را به خود اختصاص می دهد اما یوتیوب بیشترین سهم کلی محاسبه شده از این زمان صرف‌شده را داشت. در حال حاضر بیش از پنج میلیارد کاربر فعال رسانه‌های اجتماعی در سراسر جهان وجود دارند. و بالاخره اینکه هر کاربر معمولی اینترنت روزانه حدود دوونیم ساعت از زمان خود را در حال استفاده از رسانه‌های اجتماعی می گذراند که معادل بیش از یک‌سوم کل زمان آنلاین بودن آنهاست. به‌طور متوسط زنان در طول روز ۱۶ دقیقه بیشتر از مردان زمان خود را صرف شبکه‌های اجتماعی می کنند.

شبکه‌های مجازی در ایران، همبای جهان

در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان، انقلاب ارتباطات دیجیتال به وضوح قابل مشاهده است. ضرب

نفوذ اینترنت در ایران در ابتدای سال ۲۰۲۵ حدود ۷۹۰۶ درصد بوده (معادل ۷۲۰۲ میلیون کاربر) و حدود نیمی از کل جمعیت کشور - بالغ بر ۴۸ میلیون نفر - در شبکه‌های اجتماعی حضور داشته‌اند. تعداد اشتراک‌های فعال تلفن همراه حتی از کل جمعیت پیشی گرفته و به حدود ۱۵۲ میلیون (۶۶ درصد جمعیت) رسیده که البته ناشی از داشتن چند سیم کارت توسط یک فرد است. مروری بر آنچه گفته شد نشان می دهد ایران به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و محدودیت‌های سیاسی، در بسیاری از شاخص‌های ارتباطات مدرن همگام با روندهای جهانی یا حتی جلوتر از میانگین جهانی است. در زمینه تلفن همراه نیز نرخ بهره‌مندی ایرانیان بسیار بالا بوده و تقریباً همه افراد بزرگسال یک گوشی در اختیار دارند.

محبوب‌ترین هادر ایران

از منظر تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی، ایران با پوشش حدود ۵۵۲ درصد از جمعیت کمی پایین‌تر از میانگین جهانی (۶۴ درصد) قرار دارد. هر جا امکان دسترسی مهیا بوده (مثلاً اینستاگرام تا قبل از ۱۴۰۱)، استفاده کنندگان ایرانی نیز به نسبت جمعیت پایه‌یای کاربران سایر کشورها از آن بهره بردهند. در این میان در حال حاضر اینستاگرام با ۳۱ میلیون کاربر فعال، محبوب‌ترین رسانه جمعی در ایران است و تلگرام با ۲۴ میلیون کاربر فعال در رتبه دوم محبوبیت قرار دارد. همچنین ۲۷ درصد از کاربران فضای مجازی متعلق به پلتفرم اینستاگرام هستند ضمن آنکه ۳۵ درصد کاربران در تلگرام و ۳۵ درصد هم در واتساپ حضور دارند. آمار و ارقامی که نشان می دهد، ایرانی‌ها نیز گام به گام و تقریباً همبای ذائقه بقیه مردم جهان، در دنیای شبکه‌های اجتماعی فعال اند و اگر محدودیت‌های موجود نباشد ممکن است در برخی موارد از میانگین‌های جهانی نیز جلو بزنند!



۱. فیس بوک (Facebook)

تعداد کاربران فعال ماهانه: ۳۰۰۷ میلیارد نفر

- ویژگی‌ها: پست‌های متنی، تصاویر، ویدیوها، گروه‌ها، رویدادها، فروشگاه‌ها
- کاربردها: ارتباط با دوستان و خانواده، گروه‌های تخصصی، تبلیغات کسب و کار
- مزایا: پلتفرم جامع با ابزارهای متنوع برای ارتباط و تبلیغات
- معایب: کاهش محبوبیت در میان نسل جوان

۲. یوتیوب (YouTube)

تعداد کاربران فعال ماهانه: ۲۵۰۵ میلیارد نفر

- ویژگی‌ها: ویدیوهای بلند و کوتاه، پخش زنده، اشتراک گذاری محتوا
- کاربردها: آموزش، سرگرمی، نقد و بررسی محصولات، پخش زنده رویدادها
- مزایا: بزرگ‌ترین پلتفرم ویدیویی با قابلیت‌های پیشرفته
- معایب: رقابت شدید برای دیده شدن محتوا

۳. اینستاگرام (Instagram)

تعداد کاربران فعال ماهانه: ۲ میلیارد نفر

- ویژگی‌ها: پست‌های تصویری و ویدیویی، استوری‌ها، ریلز، فروشگاه اینستاگرامی
- کاربردها: اشتراک گذاری لحظات روزمره، تبلیغات برندها، فروش محصولات
- مزایا: رابط کاربری ساده و جذاب، محبوب در میان نسل جوان
- معایب: الگوریتم پیچیده برای نمایش محتوا

۴. تیک تاک (TikTok)

تعداد کاربران فعال ماهانه: ۱۰۶ میلیارد نفر

- ویژگی‌ها: ویدیوهای کوتاه، فیلترهای AR، چالش‌ها، موسیقی
- کاربردها: سرگرمی، آموزش‌های کوتاه، تبلیغات خلاقانه
- مزایا: رشد سریع ویدیوها، جذب سریع مخاطب
- معایب: محتوای متنوع اما گاهی سطحی

۵. تلگرام (Telegram)

تعداد کاربران فعال ماهانه: ۱ میلیارد نفر

- ویژگی‌ها: پیام‌رسانی، کانال‌ها، گروه‌های بزرگ، ربات‌ها
- کاربردها: ارتباطات شخصی و گروهی، اطلاع رسانی، اشتراک گذاری محتوا
- مزایا: امنیت بالا، قابلیت‌های پیشرفته برای گروه‌ها
- معایب: عدم تمرکز بر محتوای تصویری و ویدیویی



حق با بیژن طاهری است

یا سیاوش اکبر پور؟

گری نویل‌های استقلال!

سیاوش اکبرپور پس از مدت‌ها به برنامه تلویزیونی فوتبال‌پر تر رفت و حرف‌هایی جنجالی زد.

بیشترین انتقاد سیاوش اکبرپور از روزبه چشمی بود و مهاجم سابق استقلال، کاپیتان این روزهای این تیم را حسابی زیر سوال برد.

اکبرپور همچنین بیژن طاهری را هم به باد انتقاد گرفت که چرا نتوانسته است پس از شکست ۷ بر یک مقابل الوصل امارات و بازگشت تیم به فرودگاه تهران، بازیکنان استقلال را کنترل کند تا مصاحبه نکنند و حاشیه‌ساز نشوند. سر پرست استقلال اما برخلاف روزبه چشمی اینچنین علیه اکبرپور واکنش نشان داد:

«رمورد حاشیه‌هایی که امروز برای استقلال به وجود آمده باید بگیریم، شما بهتر از هر کسی می‌دانید عده‌ای هستند که دنبال چنین روزهایی‌اند؛ روزهایی که استقلال نتیجه نگیرد و ببازد تا ببایند و نقطه‌نظر‌های خود را که آفت است، تحمل کنند. این افراد به قدری زیاد هستند که نمی‌توانم تک‌تک نام ببرم. خواهش من این است که هواداران دنبال حاشیه نروند و سوار موج این افراد نشوند. شما کی دیده‌اید استقلال ببازد و کاپیتان تیم بازیکنان را جلوسی هواداران ببرد و عذرخواهی کند؟ من یادم نمی‌آید چنین اتفاقی رخ داده باشد. خواهش می‌کنم هواداران فریب صفحات مجازی را نخورند. هیچ حاشیه‌ای در تیم وجود ندارد؛ تیم تحت کنترل سرمربی و بنده است و همه صحبت‌هایی که برای حاشیه‌سازی مطرح می‌شود، دروغ است.»

به نظر شما حق با کیست؟ سیاوش اکبرپور یا بیژن طاهری؟ شاید هم هر دو! نمونه‌های دیگری هم سراغ داریم که این‌ روزها

رخداد

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۵۷ | شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴

کپ‌وگفتی کوتاه با علیرضا نیکبخت در باره سیاست در فوتبال، مشکلات استقلال و مسیر تازه زندگی‌اش

خسرو حیدری بزرگ‌تر استقلال نیست

● اگر یک آدم سیاسی کنارم بود، زمان علی‌دایی از تیم ملی خط‌نمی‌خوردم

● فوتبال مادِ دیگر دست‌فوتبالی‌ها نیست، شاید من هم تصمیم بگیرم وارد سیاست شوم

● اگر کسی بخواید در این فوتبال فعالیت کند باید یک آدم سیاسی کنار خودش داشته باشد

بی‌خیال داداش! اصلا حوصله حرف زدن درباره فوتبال را ندارم. مخلص خودت هستم اما...

● **این چه حرفی است؟! مگر می‌شود علیرضا نیکبخت در مورد فوتبال صحبت نکنند؟**

من مدت‌هاست از فوتبال بیرون آمدم و حتی رشته کاری خودم را هم عوض کردم. به هر حال در این فوتبال کار کردن یا ماندن یکسری پیش‌نیازها می‌خواهد که من ندارم!

● **یعنی چی؟ راحت حرف دلت را بگو؟**

راحت بگویم اگر کسی بخواید در این فوتبال فعالیت کند، باید یک آدم سیاسی را در کنار خود داشته باشند! من اگر می‌توانستم یا بلد بودم چنین کاری کنم زمان سرمربیگری علی‌دایی از تیم ملی خط‌نمی‌خوردم و...

● **علیرضا نیکبخت واحدی به اعتقاد خود من خیلی حیف شد و حداقل یک جام‌جهانی (۲۰۰۶ آلمان) را بی‌خود و بی‌جهت یا شاید هم روی اشتباه خودش از دست داد؟**

فدای سرت!

● **می‌دانم سوپر استار این فوتبال بودی و به جایگاه خوبی هم رسیدی. از قضا می‌توانم به عنوان یک خبرنگار شهادت بدهم در دوره اوج خودت هم رابطه بسیار خوبی با رسانه‌ها، خبرنگاران و مردم داشتی اما...**

گذشته‌ها گذشته و من دیگر همه چیز را از ذهن خودم پاک کرده‌ام.

● **علیرضا، دلیل تناس من صحبت‌های سیاوش اکبرپور است که در برنامه فوتبال‌پر تر از تو تعریف کرد و گفت «زمانی نیکبخت واحدی سمت چپ زمین را اشخیم می‌زد از پس خوب بود»؟ می‌خواستیم نظرت را در این رابطه بدانم؟**

دم سیاوش گرم! اما مگر حرف بدی زده است؟



مهدی یکتا
هفت صبح

علیرضا نیکبخت واحدی این روزها حال و حوصله حرف زدن درباره فوتبال را ندارد. ستاره‌ای که به‌قول سیاوش اکبرپور زمانی سمت چپ زمین را شخم می‌زد و به لطف تکنیک، گام‌های بلند، شم گلزنی و البته چهره فتوژنتیک‌اش، محبوبیت زیادی نزد فوتبال‌دوستان ایرانی پیدا کرده بود.

این روزها تغییر مسیر حرفه‌ای او به سمت دنیای تبلیغات است و در زمینه تبلیغ یکی از برندهای فروش ایرانی فعالیت می‌کند؛ با این وجود هنوز اسمش به عنوان یک ستاره فوتبال مطرح است.

وقتی با نیکبخت واحدی تماس گرفتیم که به بهانه صحبت‌های اخیر سیاوش اکبرپور با او گپی بزنیم، ابتدا چندان استقبال نکرد اما آرام آرام گرم شد و حرف‌هایی زد که به خواندنش می‌ارزد:

● **لا بد می‌دانی چرا با تو تناس گرفته‌ام؟**

حوادث

پسر معتاد بعد از مصرف شیشه و درگیری با پدرش او را به قتل رساند، برادران از قصاص گذشتند و او به زودی آزاد می‌شود

نتوانستم مستقل شوم، پدرم را کشتم



فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

در یکی از شب‌های سرد زمستان سال ۱۴۰۱، خانه‌ای در دل شهری شاهد تراژدی تلخی شد که زندگی یک خانواده را برای همیشه گشود و خیر از مرگ مشکوک همسرش داد. با زندگی می‌کرد، در خانه خودش جان باخت و تنهاردپای این حادثه، درگیری مرگباری بود که پس ر ۴۰ ساله‌اش رخ داده بود. این اتفاق، پرونده‌ای پیچیده و دردناک را پیش روی تیم جنایی اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار داد.

همسر مرد میانسال اولین کسی بود که با مرکز فوریت‌های پلیسی تماس گرفت و خبر از مرگ مشکوک همسرش داد. با دستور بازپرس کشیک قتل، تیم جنایی سریعا به محل حادثه اعزام شد و صحنه‌ای غم‌انگیز را مشاهده کردند. مرد میانسال در حالی که آثار کبودی و علائم درگیری روی بدنش مشهود بود، روی زمین افتاده و جان باخته بود. جسد برای تعیین علت دقیق فوت به پزشکی قانونی منتقل شد تا روشن شود چه عاملی سبب مرگ او شده است.

تحقیقات اولیه

تحقیقات ابتدایی حکایت از این داشت که پسر میانسال، عامل اصلی این حادثه بوده و پس از درگیری، از خانه متواری شده است. کارآگاهان با بررسی‌های میدانی و پیگیری‌های شبانه‌روزی، موفق شدند پسر متواری را در پارکی نزدیک خانه شناسایی و دستگیر کنند. او پس از انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی، با صدای لرزان و چشمانی پر از پشیمانی، شروع به روایت ماجرای تلخ آن شب کرد و مشخص شد برای فرار از مجازات بعد از جنایت در کوچه و خیابان پرسه می‌زده و شب‌ها در پارک می‌خوابیده تا گرفتار قانون نشود.

جنایت بعد از اولین مصرف شیشه

پسر جوان بعد از مواجهه با مأموران جنایی لب به اعتراف گشود و گفت که آن شب برای اولین بار شیشه مصرف کرده بود و کاملا کنترل خود را از دست داده بود. او ادامه داد که سال‌ها با پدرش اختلاف داشته و شکست‌ها و ناکامی‌های زندگی‌اش را به گردن او می‌انداخته است. زندگی بدون شغل و ناتوانی در ازدواج باعث شده بود حس کینه و عصبانیت او نسبت به پدرش تشدید شود.

متهم در اعترافات

خود گفت: «من پدرم را مقصر تمام بدبختی‌هایم می‌دانستم، فکر می‌کردم اگر او نبود، زندگی من فرق می‌کرد.»

او با لحنی آرام و در عین حال اندوهگین شرح داد که دعوای آن شب به دلیل اختلافات قدیمی و درگیری‌های گذشته آغاز شد. ابتدا با پشت دست ضربه‌ای به صورت پدرش زد و سپس در حالی که هر دو تلاش می‌کردند خود را از فشار گلولی یکدیگر خلاص کنند، هر دو روی کاناپه سقوط کردند. او گفت: «گلولی او را گرفتم و نمی‌دانم کی متوجه شدم که دیگر نفس نمی‌کشد. لحظه‌ای که فهمیدم چه اتفاقی افتاده، ترسیده بودم و فقط می‌خواستم از خانه دور شوم.»

متهم توضیح داد که مادرش از اتاق بیرون آمد و با دیدن شعله ضعیف فندک، در حالی که فریاد می‌زد «او را کشتی!» وحشت کرده بود. او با صدای گرفته ادامه داد: «من کوله‌پشتی‌ام را برداشتم و فرار کردم. پنج روز در پارک پرسه زدم و همانجا خوابیدم تا اینکه دستگیر شدم.»

او همچنین درباره زندگی گذشته خود و اعتیادش گفت: «من هیچ‌وقت سالم زندگی نکرده بودم. مخدر گل و مخدرهای دیگر را به صورت تفریحی مصرف می‌کردم تا اینکه رو به شیشه هم آوردم و کار به اینجا کشید. آن شب برای اولین بار مخدر شیشه مصرف کرده بودم. اصلا در حال خود نبودم. جرو بحثم با پدرم شروع شد و حرف از ناراحتی‌های گذشته زدم. من او را مسبب تمام بدبختی‌هایم می‌دانستم. فکر می‌کردم تقصیر اوست که نتوانستم ازدواج کنم یا شغلی داشته باشم. وقتی جرو بحث ما شروع شد او تازه از چرت زدن بیدار شده بود و لبه کاناپه نشسته بود که در همان حال کنارش رفتم و با او دست به یقه شدم. در جریان درگیری گلولی او را گرفتم که او شروع به تقلال کردن کرد. دوتایی روی زمین افتادیم و من روی سینمایش نشستم. آن شب برق‌ها رفت سالم. پدرم از اتاق بیرون آمد و فریاد می‌زد و می‌گفت چه شده؟ اما من و پدرم را نمی‌دید. یک فندک در دست گرفته بود و سعی می‌کرد با نور شعله ضعیف آن ما را ببیند. بالای سر پدرم آمد و فریاد زد و گفت او را کشتی! همان موقع پدرم با لگد من را پرت کرد. فکر نمی‌کردم فشاری که به گلویش آورده بودم سبب مرگ او شود. بعد هم کوله پشتی‌ام را برداشتم و از خانه بیرون رفتم. اما متوجه شدم پدرم فوت کرده برای همین دیگر خانه نرفتم و پنج روز متواری بودم. در آن پنج روز در پارک پرسه می‌زدم و همان جا می‌خوابیدم تا اینکه دستگیر شدم.

حالا خیلی زیاد پشیمانم. آن لحظه فکر می‌کردم که تصمیم درستی گرفته‌ام اما حالا می‌فهمم که خیلی اشتباه بزرگی کردم.» قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم با احتساب روزهای بازداشت متهم را به حبس محکوم کردند و با توجه به اینکه متهم دوران محکومیت خود را سپری کرده به زودی رنگ آزادی را خواهد دید.

مادرش افتاد، کسی که در آن لحظه هنوز فریادهایش از ذهنش پاک نشده بود و باز هم گفت: «خیلی پشیمانم.» بعد از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. اما پیش از رسیدن موعد محاکمه برادران متهم به عنوان اولیای دم از قصاص او اعلام گذشت کردند. به این ترتیب محاکمه به لحاظ جنبه عمومی جرم انجام شد.

دادگاه

در این جلسه متهم به شرح جزئیات ماجرا پرداخت و گفت: «۴۰ سال دارم و در تمام عمرم با پدر و مادرم زندگی می‌کردم به‌خاطر اینکه مادرم اجازه نمی‌داد زندگی مستقلی داشته باشم. می‌گفت اگر مجردی زندگی کنی ممکن است زندگی برایت دشوار شود. از طرفی چون کار درست و حسابی نداشتم نمی‌توانستم ازدواج کنم. مدتی آرایشگر بودم اما در آن شغل هم دوام نیاوردم.» متهم سپس در مورد روز حادثه گفت: «من هیچ‌وقت سالم زندگی نکرده بودم. مخدر گل و مخدرهای دیگر را به صورت تفریحی مصرف می‌کردم تا اینکه رو به شیشه هم آوردم و کار به اینجا کشید. آن شب برای اولین بار مخدر شیشه مصرف کرده بودم. اصلا در حال خود نبودم. جرو بحثم با پدرم شروع شد و حرف از ناراحتی‌های گذشته زدم. من او را مسبب تمام بدبختی‌هایم می‌دانستم. فکر می‌کردم تقصیر اوست که نتوانستم ازدواج کنم یا شغلی داشته باشم. وقتی جرو بحث ما شروع شد او تازه از چرت زدن بیدار شده بود و لبه کاناپه نشسته بود که در همان حال کنارش رفتم و با او دست به یقه شدم. در جریان درگیری گلولی او را گرفتم که او شروع به تقلال کردن کرد. دوتایی روی زمین افتادیم و من روی سینمایش نشستم. آن شب برق‌ها رفت سالم. پدرم از اتاق بیرون آمد و فریاد می‌زد و می‌گفت چه شده؟ اما من و پدرم را نمی‌دید. یک فندک در دست گرفته بود و سعی می‌کرد با نور شعله ضعیف آن ما را ببیند. بالای سر پدرم آمد و فریاد زد و گفت او را کشتی! همان موقع پدرم با لگد من را پرت کرد. فکر نمی‌کردم فشاری که به گلویش آورده بودم سبب مرگ او شود. بعد هم کوله پشتی‌ام را برداشتم و از خانه بیرون رفتم. اما متوجه شدم پدرم فوت کرده برای همین دیگر خانه نرفتم و پنج روز متواری بودم. در آن پنج روز در پارک پرسه می‌زدم و همان جا می‌خوابیدم تا اینکه دستگیر شدم.

حالا خیلی زیاد پشیمانم. آن لحظه فکر می‌کردم که تصمیم درستی گرفته‌ام اما حالا می‌فهمم که خیلی اشتباه بزرگی کردم.» قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم با احتساب روزهای بازداشت متهم را به حبس محکوم کردند و با توجه به اینکه متهم دوران محکومیت خود را سپری کرده به زودی رنگ آزادی را خواهد دید.

اعتراف سه‌زورگیر تهران

راز شگرد ۱۵ فقره سرقت



برای به‌دست آوردن پول راحت، تصمیم به زورگیری گرفتم. بیشتر اوقات، سوژه‌هایمان کسانی بودند که شب‌ها با موبایل در دست در پیاده‌رو راه می‌رفتند یا خانم‌هایی که به تنهایی از مترو یا اتوبوس پیاده می‌شدند. ما با تهدید سلاح سرد، اموالشان را می‌گرفتیم و خیلی سریع محل را ترک می‌کردیم.» متهم دیگر که راننده خودرو بود، در ادامه اعتراف کرد: «هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم یک روز دستگیر شوم. خیال می‌کردیم زرت‌گ‌تر از پلیس هستیم. حتی پلاک‌های سرقتی روی ماشین می‌انداختیم که ردیابی نشویم. اما حالا می‌بینم که اشتباه می‌کردیم. تا امروز ۱۵ بار با همین روش سرقت کرده‌ایم. بعضی وقت‌ها فقط موبایل می‌گرفتیم، گاهی کیف پول و مدارک. بعد هم گوشی‌ها را به مال‌خرا می‌فروختیم.»

ادامه تحقیقات

سرهنگ افشار تأکید کرد: «متهمان علاوه بر این ۱۵ فقره سرقت، احتمال دارد در پرونده‌های مشابه دیگری هم نقش داشته باشند. هم‌اکنون کارآگاهان مشغول بررسی شکایات ثبت‌شده در چند کلانتری دیگر هستند تا میزان دقیق جرایم این افراد مشخص شود. تعدادی از شاکیان نیز تاکنون شناسایی شده‌اند و روند تحقیقات همچنان ادامه دارد.»

هشدار پلیس به شهروندان

فرمانده انتظامی با هشدار جدی خطاب به شهروندان گفت: «امنیت مالی و جانی مردم خرد رقم‌زم پلیس است. ما به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهیم کسانی با ایجاد ناامنی آسایش مردم را سلب کنند. از شهروندان می‌خواهیم هنگام تردد در معابر عمومی به ویژه شب‌ها، تلفن همراه و وسایل قیمتی خود را در معرض دید قرار ندهند و در صورت مشاهده موارد مشکوک، سریعا با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند.» پرونده این سه متهم جوان پس از اعترافشان، برای طی مراحل قانونی و بررسی‌های بیشتر در اختیار دستگاه قضایی قرار گرفت.

امروز ۵ مهر، چهل و چهارمین سالروز شکست حصر آبادان دوست داشتنی است

همین اول اعتراف می کنم این صفحه بیشتر مواقع درست متعلق به آباان بوده
به به به پنهانی تقویم از بر و رو کردم تا نماسنی، چیزی پیدا کنم و به شهر محبوب
و مظلوم و مهجورم آباد بپردازم. فرقی نمی کند تولد یا درگذشت یکی از مشاهیر
سیکستصبر آباد یا جنگ با متلا و می شدن فتن و غوغا و ورتش می شدن مثل
ما هم برای نوشتن از نتایج ضعیف صنعت نفت یا مسعود شجاعی که است... هر طور
آباد و مردم قدر ندیده اش می نویسم. پارتی بازی را می بخشید دیگر... به مردم آباد
نسبت جنگ و فضاات بالا آگاه عظیم نفت آبادان و پتروشیمی و بندر و منطقه
این سیم صفحه روز هفت صبح، خیلی حرف زدم. برویم سر اصل مطلب؛ شکست
گذشته این شهر...

عملیات ثامن الائمه (ع)

این عملیات با هدف انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون و تصرف این منطقه، در ساعت یک بامداد پنجم مهرماه سال ۱۳۶۰ بارمز «تصریم الله و فتح قریب» شروع شد و پس از ۴۲ساعت با موفقیت کامل به پایان رسید.

منطقه عملیات شامل الایمه در شرق رودخانه کارون و در فاصله شمالی شهر آبادان تا جنوب منطقه دارخوین قرار داشت که ۱۵۰ کیلومتر مربع را پوشش می‌دهد.

درهم کوبیده
شدن لشکر
زرهی عراق
نیروهای
عمل کننده در

11

قالب مشاهیر

اصغر فرهادی کارگردان معروف سینمایی ایران را می‌بینید. فرهادی با انتشار این عکس‌ها پیر از آغاز فیلمبرداری «داستان‌های موازی» در پاریس داده. (Parallel Tales) دهمین ساخته اصغر فرهادی؛ ایزابل هوپر، پیر نیکسل، و برجنی افیر، پییر نینه، آدام بنساو کاترین دونو هستند. فیلمبرداری آن سه ماه ادامه خواهد داشت. تاکنون ایزابل هوپر، آدام بنساو کاترین دونو مقابل دوربین فرهادی رفته‌اند.



عکس خاص الناز شاگردوست رادر اکران مردم
پردیس سینمایی کورش می بینید.

5

جدول شرح درمتمن

A 10x10 grid with a black diagonal line from the top-left to the bottom-right. Blue squares with a white 'X' are placed on the diagonal cells.

۱- نماد استقامت در طبیعت - شاعر
شیرازی - همداستان ویس

۲- حرف عطف - بالاوش بانوان - کمینگاه
گاز استخر - واحد پول مکزیک -

۳- قسمتی از پا - نظریات و عقاید
رئیس قبیله دوران مادها - مقابل

۴- زنگی! - بسندگی
از حیوانات جنگلی - نام قدیمی
اصفهان - حرارت و گرمی

۵- آثار تاریخی شهر رودان استان
مهرگان - معرفی کالا از رسانه‌ها

۶- بدهکار و مقروض - راهزن - سفید
آذری - بند و طناب

۷- خودرویی کوچک - مسابقات
اتومبیلرانی جایزه بزرگ - اشاره به نزدیک

۸- پدر بزرگ و جد - معبر خون - صدای
بلند و واضح - جنگ و زرم

۹- پاسپورت - نوعی دستگاه چاپ سریع
ارجمندی - طرف چرخ زخم

۱۰- روز ازل - اسکلت اصلی اتومبیل -
پاشیدن

۱۱- از پرندگان - واحد شمارش کتاب -
ضمیر مفعولی - سزاوارتر

۱۲- آبگیر - همجوش - برداشت محصول
پخش صوتی قابل حمل - عابر - عمل

۱۳- مکیدن
نبه زن - عنکبوت - نقش‌ها

۱۴- ساعت - خروس صحرایی - شهری
بایجان شرقی

۱۵- از برندهای
همراه

۱۶- پایهای در کانادا - صاف و مسطح -
ای از ایل بختیاری

۱۷- ستایش - مادر عرب
حد پول هندوراس - خوک و وحشی

۱۸- موسیقی - حیران - آبکی
شن تر - هر جسمی دارد - طرفدار

۱۹- موسیقی - سوسن - زرد - گردش
نبه - خاک سفالگری - نوعی حلوا

۲۰- بنشارهای آمریکا - دختر نیست -
راست

۲۱- درختی که میوه دهد -
برد

۲۲- آن و نیرو - ملاقات کردن و برخورد
نگین کمان

۲۳- احد سطح - قسمتی از تریلی - بنام
جای صف بستن - دوری از وطن -

۲۴- گرفتار شدن -
کار

۲۵- و تسوان - گرفتار شدن -
جوش

5

۱- توغوز	درون دهان	کوزه	
۲- بلنت	مردمک	شیره گون	
۳- در		مساولی	
۴- مح		دارای تشعج	
۵- وا-	یاغی		
۶- الو	نوع تفکر و عمل و نقل		
۷- رو	نوع غذاخای		
۸- الف	اوپانی		
۹- از ا	حرف دوم اتکلیسی	ستارگان	
۱۰- سمت	یار کار تونی	مقام و منزلت	
۱۱- جوانم	درخت سرو کوهی	مقابل کلی	
۱۲- و		حرف پوست کنده داخلی	
۱۳- خدمت	واجب و ضروری	دوستی	
۱۴- جنب	نمایشگر وایانه		
۱۵- پ	جاویدان		

پاسخ‌های شماره قنا

بیچ

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید تا توجه به راهنمای جدول که برپایه قرار داده‌ام، جای لغات را حدس نزنید و در جدول جایگذاری نکنید.

حرفی ۴	حرفی ۵	حرفی ۶	حرفی ۷
احصا	زودن	خاطر	بارزوند
استپ	اکتبر	کانت	شهرانی
تجدد	باخدا	مبتدی	
درخش	بربری	مشروط	
شوهر	تصویر	حرفی ۸	خاطر
فراخ	حوادث	اوتبان	دارالفنا
کنیز	خرابه	انتساخ	رخ پوشید
هرهر	درویش	دستینه	کنتراتی
	ریخته	نوشابه	

سودو کو

سودوکو سامورایی با نام سودوکو ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز ساخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است.

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در چهار گوشه آن به هم متصل می شود.

برای حل سودوکو سامورایی با اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و بسبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند. همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکو معمولی برای حل سودوکو سامورایی است. دقت کنید سودوکویی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

Y	Δ			Λ		Y				Y	Δ			ρ		Δ
	ρ	Y	q			Y						1	Y	Y		ρ
		Y				ρ							1		Λ	
Y						Δ	q			1					ρ	Δ
	Y					Y						Λ				ρ
	ρ	Δ								Y	ρ					q
	q				1							1			q	
Δ				Y	Y	Λ				Y				1	Δ	ρ
Λ			Y			Y	q		Λ	ρ		Λ			q	Y

Y	3			5			A	Y		5	9			F		3	
		6	F	A			Y					6	2	3			9
			1										1			2	
5							2	A			3					A	9
	A							Y				2					5
	9	Y										6	Y				1
	6						2								2		
F					3	1	9				9				Y	1	3
9		6					5	1			2			3		6	Y

[illegible]

و		ب	ب	
ن	د	ن	ر	ی
ز		د	ز	
و		ت	ش	م
ی		ا	ن	د
ل		ا	و	ن
	ا	و	ی	
		س	و	خ
ر		ی	م	ا
ه		د	ی	ر
ا		و	ف	ج
	ی	ا	ک	ع
ن		س	ط	ب
ی		ر	ا	ن
ت		د	ی	چ

[illegible]